



دوره هفتم ، سال دوم ، شماره ۲۲۴
چهارشنبه ۱۲ شهریور ۱۳۵۹ ، بهار ۱۵۰۱۵ ریال

سابع خبری رسانه‌های گروهی ایران را خبرگزاری‌های امپریالیستی تشکیل میدهند. چرا؟

با آنکه بارها و بارها تعالیم‌های غرب و توطئه‌آمیز رسانه‌های گروهی شورهای امپریالیستی در مورد وقایع ران و جهان، افشاء شده است، چرا سانه‌های گروهی کشور ما، منابع خبری ود را اینگونه خبرگزاری‌ها قرار داده‌اند؟

هائری آنگ روزنامه‌نگار سرشناس فرانسوی و برکنار ویژه روزنامه اومانیه در مورد فعالیت‌های غربی در گزیری‌های امپریالیستی در تهیه و پخش اخبار دروغ مطالب جعلی در ارتباط با وقایع اخیر افغانستان، زارش بسیار جالبی تهیه کرده است. وی در نخستین زارش خود از افغانستان می‌نویسد:
«هر قدر هم که شما به اخبار دروغ روزنامه‌های غربی تحریف و اقیات و گزافه‌گویی‌ها و داستان‌سرایی‌های چ آنها، که بصورت واقعیت غیرقابل انکار آنها را این مطالب اطمینان داشته باشید، که مراکز رادیو-ویزیون یورپ و ایالات در زمینه جعل و تحریف و گمراه ساختن افکار عمومی، تمام کوردها را شسته‌اند، هیتکه ارد کابل می‌شوند، دچار یک هیجان و تحریک شدید عیبی می‌شوند.
پس این شهر در محاصره، که از آن حفاظت می‌کنند و عرصه ترور و آدمکشی است، در کجا است؟ در خیابان‌های کابل آرامش کامل حکمفرماست و ریس مشغول کار و فعالیت خویش است. مغازه‌ها و انبارها پر از کالا و خواربار و مملو از خریداران است. تومبیلها در خیابانها در رفت و آمدند و من در هیچ‌جا شهای نوبت را در کنار پمپ بنزینها ندیدم، که روز زیمتم از پاریس، خبرگزاری فرانس پرس، به استناد یکی از روزنامه‌های انگلیسی، از آنها خبر داده بود. من در دیگر شهرها و مناطق افغانستان هم کوچکترین شانه‌ای از چیره‌بندی مواد سوختی مشاهده نکردم.
خبرنگار اومانیه سپس می‌افزاید:
«آیا این بدان معنی است که دسراسر کشور افغانستان آرامش حکمفرماست و دستجات ضدانقلابی کاملاً سرکوب شده‌اند؟
در افغانستان هیچ‌کس چنین ادعایی ندارد. اما یک مطلب کاملاً روشن است. نیروهای ضدانقلاب دیگر پایگاه و نقاط اتکاء برای سازماندهی و گروه‌بندی‌های خود در کشور ندارند. عملیات ارتش افغانستان با کمک و پشتیبانی واحدهای نظامی داوطلب، که از توده‌های مردم و اعضای حزب دمکراتیک خلق افغانستان تشکیل شده‌اند، به ضدانقلاب امکان نمی‌دهد که گروه‌های خود را سازمان بدهد و تمرکز سازد.»
واقیات انکارناپذیر فوق، که نشانگر فعالیت‌های آشکارا مخرب رسانه‌های گروهی امپریالیستی در زمینه قلب و اقیتهاست، بارها و بارها از سوی نیروهای انقلابی، چه در ایران و چه در سایر نقاط جهان عنوان گردیده است.
بقیه در صفحه ۲

به مسئولان وزارت آموزش و پرورش هشدار میدهم!

ایجاد کانونهای تفرقه و تشنج، از لشکردهای امپریالیسم تبهکار علیه انقلاب ماست. امپریالیسم آمریکا هم خود چنین مراکز تشنجی را می‌آفریند و هم با سوء استفاده از برخی زیاده‌رویها و تسامح‌ها، بر اجاقهای تشنج و پراکندگی همه می‌افکند.
در شرایطی که همه اخبار و نوشته‌ها و روایات و واقیات خبر از توطئه عظیم و گسترده امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب می‌دهد، وجود هر کانون تشنج، مستقیم و غیرمستقیم آگاهانه یا ناآگاهانه، خواسته یا ناخواسته، کمک است به امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پرورده آن، تا در جوی مساعدتی، نقشه پلید خود را پیاده کند. لذا هر گام بخردانه در جهت رفع اختلافات و ایجاد تفاهم، موجب تحکیم صفوف انقلاب و ناکام ماندن امپریالیسم تفرقه‌افکن خواهد شد.
متأسفانه باید گفت که جو تشنج و ناآرامی بر فضای تفاهم‌ساز گاری چیره شده است. از اینجاست که می‌بینیم دستهای خیانت‌پیشه‌ای مانع از حل اختلافات محلی و منطقه‌ای میشوند، که گروه‌های مشکوک و علیه دفاتر و کتابفروشی‌های حزب توده ایران بیخ می‌شوند، که دستهای ناپیدا، مانع از نزدیک شدن گروه‌های صدیق انقلابی میشوند و درگیری میان آنان تشدید میکنند، سرانجام امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب هلهله شادی سر میدهند و مدافعان راستین انقلاب انکشت تاسف بدنندان می‌کنند.
وظیفه هر انقلابی میهن‌دوستی است که در ایجاد جو تفاهم و مسالمت کوشا باشد، مانع از ایجاد کانونهای تشنج شود و فضای رویارویی و درگیری را با اقدامات سنجیده و خردمندانه به محیط آرام تفاهم بدل کند. این نه فقط وظیفه افراد، بلکه بیش از آن و مقدم بر آن وظیفه مسئولان مملکتی است.
یکی از مراکز بالقوه تشنج هم اکنون در دبستانها، دبیرستانها و دانشگاههاست. طبق اخبار موثق، ضدانقلاب برای آغاز سال تحصیلی روزشماری میکند، تا با سوء استفاده از برخی زیاده‌رویها و افراط کاریها در وزارت آموزش و پرورش، تشنج بالقوه را بالفعل کند.
باید به صراحت گفت که تصمیمات انقلابی، منطقی و بسود توده‌های مستضعف از سوی مسئولان وزارت آموزش و پرورش کم نبوده است.

امپریالیسم آمریکا ژاندارم جهانی

امپریالیسم آمریکا ژاندارم جهانی است. این بزرگترین قدرت غارتگر و تجاوزکار، عظیم‌ترین شبکه پایگاههای نظامی را در سراسر جهان بوجود آورده است، تا بتواند نقش خود را بعنوان ژاندارم جهانی ایفا کند. در زیر منظره این شبکه پایگاههای نظامی در برابر دید خوانندگان گرامسی قرار میگردد.
بقیه در صفحه ۲

ضرورت حیاتی و مبرم شکل کارگران و زحمتکشان در انجمن‌های صنفی (سندیکاها و اتحادیه‌ها)

غریزه طبقاتی و آگاهی ذهنی کارگران برای دفاع از انقلاب عامل مهمی است، ولی تعیین کننده و کفایت نیست. عامل تعیین کننده و سرچشمه است. عامل تعیین کننده و سرچشمه است. عامل تعیین کننده و سرچشمه است.
تتش را در پیروزی و یا شکست انقلاب ایفا می‌کند. خوشبختی و نیرومندی انقلاب عظیم ما از آنجا نشأت می‌یابد که، طبقه کارگر ایران تمام توان و نیرومندی طبقاتی خود را صمیمانه و صادقانه در خدمت انقلاب قرار داده و می‌دهد.
هواداری و جانبداری کارگران و زحمتکشان ایران از انقلاب عامل اساسی و مهم دفاع از انقلاب در برابر حملات و توطئه‌های امپریالیسم و ضدانقلاب بوده و هست. لیکن نکته مهمی که باید بدان توجه داشت، اینست که، اگر این هواداری و جانبداری همچنان به غریزه‌طبعی و آگاهی ذهنی متکی باقی بماند و با قدرتی ناشی از شکل صنفی، که عامل تعیین کننده در اثربخشی موضع طبقه کارگر در قبال انقلاب است، تثبیت و تحکیم نگردد، طبقه کارگر ایران به ایفای نقش واقعی خود در دفاع از انقلاب قادر نخواهد بود.
غریزه طبقاتی و آگاهی ذهنی کارگران برای دفاع از انقلاب عامل مهمی است، ولی تعیین کننده و کفایت نیست. عامل تعیین کننده و سرچشمه است. عامل تعیین کننده و سرچشمه است.
تتش را در پیروزی و یا شکست انقلاب ایفا می‌کند. خوشبختی و نیرومندی انقلاب عظیم ما از آنجا نشأت می‌یابد که، طبقه کارگر ایران تمام توان و نیرومندی طبقاتی خود را صمیمانه و صادقانه در خدمت انقلاب قرار داده و می‌دهد.
هواداری و جانبداری کارگران و زحمتکشان ایران از انقلاب عامل اساسی و مهم دفاع از انقلاب در برابر حملات و توطئه‌های امپریالیسم و ضدانقلاب بوده و هست. لیکن نکته مهمی که باید بدان توجه داشت، اینست که، اگر این هواداری و جانبداری همچنان به غریزه‌طبعی و آگاهی ذهنی متکی باقی بماند و با قدرتی ناشی از شکل صنفی، که عامل تعیین کننده در اثربخشی موضع طبقه کارگر در قبال انقلاب است، تثبیت و تحکیم نگردد، طبقه کارگر ایران به ایفای نقش واقعی خود در دفاع از انقلاب قادر نخواهد بود.

هر چه از پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی، از نظر زمانی دور می‌شویم، ضرورت حیاتی و مبرم شکل‌های مهم اجتماعی برای حفظ دستاوردهای انقلاب از توطئه‌های امپریالیسم و ضدانقلاب پرورده آن بیشتر احساس می‌شود. در میان شکل‌های مهم اجتماعی، تشکیل کارگران و زحمتکشان در انجمن‌های صنفی (سندیکاها و اتحادیه‌ها) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هر انقلاب عظیم اجتماعی متکی به نیروهای طبقاتی معینی است. انقلاب عظیم ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران از این قاعده مستثنی نیست. نیروهای طبقاتی انقلاب عظیم ما را طبقات زحمتکش و ضد امپریالیست جامعه تشکیل می‌دهند. طبقه کارگر ایران پیشانی این طبقات قرار دارد و از پابرجاترین و صادقترین طبقات مومن و معتقد به انقلاب است.
طبقه کارگر ایران بیش از هر طبقه دیگری آگاهی دارد که، رهائی آن از سلطه غارتگران امپریالیسم و استثمار وحشیانه سرمایه‌داران وابسته، در گرو پیروزی کامل و قطعی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی است. از همین رو طبقه کارگر ایران بیش از همه طبقات و اقشار جامعه ایران به حفظ انقلاب و مصون داشتن آن از خطر توطئه‌های پیرد، بی امپریالیسم و ضدانقلاب علاقمند است.
و اما تنها علاقمندی عمیق طبقاتی به حفظ انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی، که کارگران خود در تدارک و تکوین و پیروزی آن نقش قاطع ایفا کرده‌اند، تعیین کننده موضع طبقه کارگر ایران در قبال این انقلاب نیست. مسئله بر سر اینست که طبقه کارگر ایران نیرومندترین قدرت طبقاتی و اجتماعی جامعه ایران است. موضع چنین طبقه‌ای در قبال انقلاب موضعی سروشت‌ساز است و بجزارت می‌توان گفت که عمده‌ترین

حزب توده ایران «خانه تیمی» ندارد

حزب توده ایران پاسدار قانون و نظم انقلابی است

اخبار و شایعاتی انتشار می‌یابد که دروغ حساس کنونی، با ساختگی به آنها را وظیفه‌ای سرور و جدی می‌شمریم. محافل و منابع معینی، دانسته و یا ندانسته، میکوشند به حزب توده ایران بر حسب هرج و مرج-طلبی و توطئه‌گری بچسباند. برای نمونه دو مطلب زیر را، که متأسفانه هر دو آنها در روزنامه «جمهوری اسلامی» منتشر شده، نقل می‌کنیم.
مطلب اول: «یک گزارش دیگر از خبرگزاری پاریس در پندریک حاکی است که بعد از ظهر پرریوز، نیز در این بندر میان هواداران مجاهدین خلق، حزب توده و چریکهای فدائی خلق از یکسو و جوانان مسلمان از سوی دیگر زد و خورد شدیدی روی داد. در این درگیری چند تن بوسیله سنگ و چماق و چاقو مجروح شدند...» (جمهوری اسلامی، ۱۰ شهریور ۵۹)
مطلب دوم: که زیر عنوان «کشف خانه تیمی حزب توده» منتشر شده، چنین است: «روابط عمومی دانشتانی کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران طی اطلاعیه‌ای اعلام داشت، بحکم دانشتانی کل انقلاب اسلامی انتشارات و پوای و انتشارات رژیم واقع در خیابان انقلاب خیابان فخر رازی - بن بست فرهاد پلاک ۳۳ که از پایگاههای حزب توده بوده و در لوای انتشارات از این محل بعنوان خانه تیمی نیز استفاده میشده، توقیف گردید.» (جمهوری اسلامی، ۱۱ شهریور ۵۹)
مطلب دیگری نیز با همین روح در جاهای دیگر انتشار یافته است، که برای رعایت اختصار تنها به ذکر دو نمونه فوق اکتفا کردیم.
اطمینان داریم که مسئولان متعهد امور مملکتی و توده‌های وسیع مردم آگاه و هشیاروبیدار ایران، که طی مدت ۱۹ ماه پس از انقلاب در عمل و تجربه روزمره خود با موضع، روش و سیاست حزب توده ایران آشنا گشته و حتی الفت و انسیت گرفته‌اند، شایعات و اخبار بی‌اساس از قبیل نمونه‌هایی که در بالا ذکر شده را بیچوجه باور نمی‌کنند و حتی به آن می‌خندند. ولی بهرحال لازم می‌آید تا این مطالب زیر را بار دیگر و با صراحت تمام و قاطع اعلام نماییم که: حزب توده ایران در هیچ بلوا و توطئه و آشوبی شرکت نکرده، نفیکند و نخواهد کرد، و خبر شرکت در زد و خورد و خبر «کشف خانه تیمی حزب توده» مطلقاً حقیقت ندارد و نمیتواند داشته باشد.
بقیه در صفحه ۲

در صفحات بعد

- آیا انقلاب ایران به آنز واکشاند شده است؟ صفحه ۲
- تورم و سیاستهای پولی و اعتباری بانک مرکزی صفحه ۲
- گزارشی از وضع کارگران کفاش تبریز صفحه ۴
- روستاهای دهنز «سادات حسینی کوزوک» و مشکلاتشان صفحه ۵

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

منابع خبری رسانه‌های...

بقیه از صفحه ۱

اعمال اینگونه رسانه‌های گروهی تنها محدود به وقایع افغانستان نمی‌گردد. اینها وظیفه خود می‌دانند و در این زمینه نیز بیسی می‌کوشند، تا واقعات همه کشورهای را نیز بدانگونه که انحصارات چند ملیتی خواهان آنند، جلوه دهند. اقدامات مخرب این رسانه‌ها در مورد وقایع ایران خود گویاترین سندهاست.

تپه و پخش مطالب سرایاکذب همچون: «رژیم آدمکش خمینی»، «سلب آزادی‌ها در ایران»، «بریدن سینه‌های زنان»، «رژیم فاشیستیک ایران» و «سدها و سد» از این نوع اراجیف، همه همه در این جهت‌اند، تا ذهن جهانیان و حتی مردم ایران را نسبت به وقایعی که در ایران می‌گذرد، منقلب سازند. و البته باید به این اعمال، قلب واقعات جهان در اذهان ایرانیان از یکسو، و فعالیت‌های جاسوسی این «بنگاه‌های خبر-پراکنی» را از سوی دیگر، افزود.

نامه مردم، به کرات به انشای این اقدامات پرداخته است. در برخی موارد در برخی رسانه‌های گروهی و مطبوعات ایران نیز این افسارگریبا صورت گرفته است. اخیراً نیز روزنامه صبح آزادگان، در شماره ۱۸۹، مورخ ۱۰ شهریورماه ۵۹ خود، در زمینه عملکردهای مخرب و فعالیت‌های جاسوسی خبرگزاری‌های امپریالیستی مطالب بسیار جالب توجهی درج کرده است.

این روزنامه در مورد ساختن و جعل اخبار از سوی این رسانه‌ها می‌نویسد:

«تئوری کار اینها (خبرگزاری‌های امپریالیستی) برای اصل است که خبر چیز است که شخص از آن می‌سازد اگر توجه داشته باشیم، می‌بینیم این همان سوء استفاده از بحث «حقیقت درک کردنی نیست» می‌باشد.

اینگونه حرف‌های دهان پرکن فلسفی را در همان سال‌های اول تحصیلی در دانشگاه با اینها حقنه می‌کنند.

نه برای آموزش فلسفه، بلکه برای یاد دادن راه فرار از محدوده وجدان، یکنوع جواز دروغ‌گویی صادر کردن وسیله دانشمندان دانشگاه‌های غرب برای ژورنالیست‌ها، تا اینکه بتوانند در آینده وسائل خوبی در دست حکومت‌های چپ‌انگیزان باشند. این تئوری حاکم بر جوخه‌نگاری را بعضی بیشتر و بعضی کمتر جدی می‌گیرند و اختلاف خبرنگاران غربی بیشتر در همین کیفیت است که کیفیت آن را تعیین می‌کنند. بسیاری از اینها شجاعانه

اعتراف می‌کنند که دروغ و راست معنی ندارد، بلکه توانی در ساختن و یا ناتوانی در ساختن یک خبر مطرح است. دروغی که کشف شود و افشاح بیاباورد چیزی نیست جز خبری که بدساخته شده. و دروغی که باصطلاح جایبند، خبری است که خوب ساخته شده است. این یک کلیتی بود و هست که در مورد خبرنگاران غربی تجریتاً به آن رسیدیم. استثناً هم ممکن است پیش بیاید. و اما شکردهای کلی این خبرنگاران متنوع است و اهم آن را در اینجا بیان می‌کنیم.

این روزنامه سپس در مورد قلب واقعات از سوی این رسانه‌ها در اذهان مردم ایران و جهان می‌نویسد: «... خبرنگاران خارجی نه تنها روی ملت‌های خود تأثیر می‌گذارند و انقلاب ما را بی‌عمل معرفی می‌کنند، بلکه از آنجا که ما روزنامه‌های خارجی را می‌خوانیم، این تأثیر روی ما نیز غیر قابل پرهیز است. وانگهی فراموش نکنیم که ده‌ها هزار نفر ایرانی در اروپا و آمریکا هستند که اینها چندان سیاسی نیستند و اکثراً زیر پوشش خبری غرب می‌باشند و با ایران در رابطه و مبادله فکری هم می‌باشند، تلفنی، پستی و شفاهی...»

صبح آزادگان آنکه در زمینه فعالیت‌های جاسوسی خبرگزاری‌های امپریالیستی می‌نویسد:

«... بر همه اینها باید نقش جاسوسان بنام خبرنگار را نیز اضافه کنیم. جاسوسی، شایه‌پراکنی و حتی آورد و برد دستورات و انجام رهنمائی یا هدف‌های ضدانقلابی می‌تواند بعدها هر یک از اینها گذاشته شده باشد، بدون اینکه ما تا بحال موفق به کنترل آن شده باشیم، که این رشته سر دراز دارد و ما برای جلوگیری از تفلور کلام، از وسط این رشته چند تکه نمونه بدست می‌دهیم:

سیا نه تنها خبرنگاران آمریکایی و اروپایی را به جاسوسی می‌گمارد، بلکه خبرنگاران کشورهای دیگر منجمله از بین کشورهای غیر وابسته را نیز طبعی می‌کند و بکار می‌گیرد. اضافه بر این آژانس‌های خبری به پخش تسمدی اخبار ساختگی تا آنجا که خبرنگار موفق نشده باشد خود اقدام می‌کنند.

در تاریخ ۲۸ دسامبر ۱۹۷۲ ویلیام کلی رئیس سابق سیا و دوست قدیمی ریچارد هلنز (اسم اصلی او پیش از مأموریت سفیریش در ایران - ریچارد دیک بود) این را تأیید کرد که از جنگ جهانی دوم تا کنون

تعدادی از خبرنگاران که رسماً عضو روزنامه‌ها بودند، کارمند سیا نیز بوده‌اند. همچنین اضافه می‌کند که خبرنگاران خارجی و آژانس‌های خبری نیز در همکاری با سیا بکار گرفته شده‌اند و اخبار محاسبه شده دروغ برای هدف‌های معینی وسیله اینها بجهان پخش شده است، که این هدف‌ها در طریق منافع سیاسی آمریکا بوده است. ویلیام کلی از مواد خبری زمینه‌ساز، صحبت می‌کند. او در جای دیگر از دست‌بردن درخبر، صحبت می‌کند و بعنوان نمونه پخش گفته‌های محرمانه خروشچف رئیس حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی در بیستین کنفرانس این حزب (که در آنجلسه جریان ضد استالینی را شروع کرد) را نام برد. او می‌گوید که افراد سیا بیانات خروشچف را از کانال جاسوسی بما رساندند و ما ۳۴ تکه از آن صحبت‌ها را بردیم و ۳۴ تکه جدید در مرکز سیا در شرواشنکن دست‌بردیم و بجای آنها گذاشتیم و بعد آنرا در دسترس خبرگزاری که خود از جریان با خبر بود، گذاشتیم و بدانوسیله رهبران شوروی را گیج و گنگ - اذهان آنها را دردم و برهم کردیم...»

صبح آزادگان در پایان می‌افزاید:

«خبرنگاران و آژانس‌های خبری خارجی برای دستجات سیاسی شعارهای متناسب تهیه می‌کنند و وسیله روزنامه‌هاشان همچون حربی بدست ضدانقلاب می‌دهند. اینها اضافه بر این نوع مبارزات، خودشانرا وسیله روزنامه‌هاشان بما تحویل می‌کنند، منطق غلط می‌سازند و وقتی در روزنامه خود نوشتند آنرا ما هم می‌پذیریم و رواج می‌دهیم. یکی از این خبرنگاران آمریکایی که باشاه در کشور مراکش مصاحبه کرده بود نوشت: تاموقعا کلاه شاه بود، خمینی را از کشور بیرون کرده بود، حالا خمینی آمده و شاه را از کشور بیرون کرده - پس این چه فرقی کرد...»

این چیز است که می‌توانی غلط بودنش را به هر عجل به ملت ایران بفهمانی، ولی منطق‌های دیگری هم هست که غلط بودنش را سخت می‌توان فهماند. مثلاً در مورد زندان، در مورد تشکیلات اطلاعاتی، در مورد سیاست یک‌جانبی، در مورد ممانعت از راهپیمایی، در مورد ممنوعیت چاپ بعضی از روزنامه‌ها، این منطق مقایسه‌ای که بدون توجه به کل روابط اظهار می‌گردد، می‌تواند هم از روی عمد باشد و هم می‌تواند واقعا سهواً و از روی ضعف بررسی مسائل باشد، که دراروی و آمریکاجاتی در سطح دانشگاه و معینان افکار مترقی سراغ داریم. ولی بهر حال

ژورنالیست‌ها در اینکار بی‌تقصیر نیستند و مارا هم باها می‌کشاند.

دیگر اینکه آمد و رفت اینها و مصاحبه، بدست آوردن اطلاعات در مجموع برای شناختن شناختن شرایط ایران و کشف نقاط ضعف در بخش مختلف اقتصاد، ارتش، روحیه مردم ام از کرد و ترک و بلوغ و عرب و بخصوص شناخت دقیق شخص رهبران و مسئولین مملکتی و احزاب و دستجات باشد، که با بدست آوردن همه این اطلاعات آن اربابانشان به آسانی می‌توانند توطئه‌های حساب‌شد دقیق و موثر ترتیب دهند، که هدف نهایی این توطئه وازگون کردن انقلاب اسلامی ایران و درست‌تر کارها مانند سابق است. ولی تابه آن هدف برسند، باز آرزوی کافی کارهای تفرقه‌افکنی انجام دهند. و کار را نمی‌توانند، مگر آنکه اطلاعات دقیق و کاف ما داشته باشند.

باتوجه به واقعات انکارناپذیر در مورد فعالیت خبرگزاری‌های امپریالیستی در زمینه قلب واقعات جهان، که نمونه‌هایی از آنرا خبرنگار ویژه اوما در مورد افغانستان و مطالب جالب روزنامه صبح آزاد است، تأیید و تأکید می‌کنند، این سؤال ساده، ولی مبهمه است که:

پس چرا رسانه‌های گروهی و اکثر مطبوعات ایران، هنوز که هنوز است، منابع خبری خود خبرگزاری‌های امپریالیستی قرار داده‌اند؟ مگر این است که «بسیاری از اینها شجاعانه اعتراف می‌کنند که دروغ و راست معنی ندارد، یا توانایی در ساختن و یا ناتوانی در ساختن یک خبر را ندارند»؟

مگر نه این است که اینها «انقلاب‌ها را به میل-مهرفی می‌کنند»؟

مگر نه این است که «جاسوسی، شایه‌پراکنی و حتی آورد و برد دستورات و انجام واقعات با هدف ضدانقلابی می‌تواند بعدها هر یک از این خبرنگاران گذاشته شده باشد».

آیا این واقعات مسئولیت خطیر رسانه‌های گروهی و مطبوعات در برابر مردم و انقلاب - آفتور که ا خمینی همین اخیراً تأکید کرده‌اند - ایجاد نمی‌آید که رسانه‌های گروهی و مطبوعات جمهوری اسلامی ایران از افتادن در دام گسترده خبرگزاری‌ها و مطبوعات امپریالیستی بپرهیزند؟

ضرورت حیاتی...

حزب توده ایران با تمام نیروی خود کوشیده و میکوشد که در هم‌جا از وجود آمدن تشنج، بروز درگیری، ایجاد اختلال در تولید و دیگر امور زندگی کشور جلوگیری کند و این وظیفه انقلابی خود میدانند. حزب ما در هم‌جا و حتی در مناطقی چون کردستان، که همه امکانات برای خرابکاری بدون مجازاتی آماده است، یکنه‌ها بندها و نیروی است که در زیرشده‌ترین مخاطر و گلوله‌های ضد انقلاب مردم را به هبستگی با جمهوری اسلامی ایران، افشا و طرد ضد انقلاب و پایان مقابله و محاصره با جمهوری اسلامی ایران فرا می‌خواند. صفحات نامه مردم و کار عملی حزب ما، گواه روشن بر این واقعات است.

شاید در شهری و یا در ولایتی عده‌های آشوبگر و ساواکی‌بلوایی بپاکنند و بعد خود را بعنوان هوادار حزب توده ایران معرفی نمایند، چنین پدیده‌هایی امکان وجود دارد. لذا باید هشیار بود و خرابکاری باندهای ضدتوده‌ای را بپای حزب توده ایران نوشت که این ستم مضاعف است. حزب ما با پشتیبانی بیدریغی که از انقلاب و رهبر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران کرده، این حق عام‌لانه را برای خود کسب نموده است که از نظام جمهوری اسلامی ایران تترسد، بلکه به آن احترام بگذارد. ما که با تمام وجود خود خواهان اجرای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هستیم، این قانون و کلیه اصول و قواعد دیگری را که از این قانون اساسی ناشی میگردد، بدقت مراعات می‌کنیم. ما که در مقابل توطئه‌های ضدانقلاب بازمی‌راسخ در سنگر دفاع از جمهوری اسلامی ایران ایستاده‌ایم، هیچ نیازی به ساختن خانه تیمی در برابر جمهوری

نهضت انقلاب اسلامی پاکستان به ارتشیان پاکستان

هشدار داد: مراقب دسایس شیطنی آمریکایی جنایتکار و عنصر فاسد دست‌نشانده‌اش ضیاءالحق باشید!

نهضت انقلاب اسلامی پاکستان در رابطه با اعزام دو لشکر ارتش پاکستان به عربستان سعودی، یانیه‌ای صادر کرد. در این بیانیه آمده است: «امپریالیسم چپ‌انگیز آمریکایی برای جبران شکست مفضوحه خود در ایران و تحکیم سلطه خود در خاورمیانه برآست که علاوه بر پایتخت‌های نظامی مستقیم و یا غیرمستقیم، که در کشورهای اسلامی مانند عمان، سومالی و مصر ایجاد نموده، در کشور ظاهراً مسلمان و متعصب سعودی نیز نسبت به ایجاد پایگاه اقدام نماید و میکوشد به وسیله دشمنان ردل اسلام، که درندگی با خون و روحشان خسوی گرفته و با غصب حکومت ملت مسلمان پاکستان از هیچ جنایتی به اسلام و ناموس اسلام و هستی ملت مسلمان کوتاهی نمی‌نمایند، از جان و مال این ملت بر علیه مسلمانان در منطقه استفاده کند. امروزه ۵۰٪ کل درآمد ملی مردم پاکستان که باید صرف هزینه‌های عسمرانی و سرمایه‌های گردد، مصروف تهیه تسلیحات میگردد، تسلیحاتی که طبق نظر کارشناسان خونخوار سازمان سیا و مستشاران نظامی آمریکا تدارک دیده میشود، تا مقاصد شوم و استعمارگرانه آنان را تحقق بخشد. استعمارگرانه‌ترین روزی برای به گلوله بستن خانه خدا از آن پایگاه وحدت مسلمین از ارتش هند به عنوان (Royal Indian Army) استفاده نموده و امروز استعمار آمریکا برای تحکیم و استمرار حکومت کثیف دربار سعودی دستور اعزام دو لشکر ارتش پاکستان را که تربیت‌شده و تعلیم‌یافته همان نظام

۱- جایگزین نمودن شاهزاده فهد فاسد که در حوزة کاشغیر تفریحات لازم و کافی را گذرانده است، به جای ملک خالد بمنظور حفظ منافع شیطان بزرگ و صیویسیم کثیف بین‌المللی. ۲- سرکوب و ارباب پاره‌ای افراد متدین و متعهد خاندان سلطنتی سعودی، که با رژیم حاکم فعلی سخت مخالف و ناراضی میباشند. ۳- سرکوب و از بین بردن مردم مسلمان و متعهد سعودی که همه روزه از دخالت‌های آمریکایی در کشورشان رنج می‌برند (لازم به یادآور است که در مدت کمتر از یکسال گذشته تقریباً پنج هزار تن از مبارزین شجاع، مسلمان بدست دژخیمان سعودی شهید گردیده‌اند و هزاران تن نیز در زندان‌های خوفناک آنجا به ضرب و شتم مأمورین بصر می‌برند) ۴- جلوگیری از توسعه قدرت برادران مسلمان فلسطینی که روز بروز قوی‌تر میشوند و ممکن است مانع صدور نفت به آمریکا و دوستان

حزب توده ایران...

بقیه از صفحه ۱ حزب توده ایران با تمام نیروی خود کوشیده و میکوشد که در هم‌جا از وجود آمدن تشنج، بروز درگیری، ایجاد اختلال در تولید و دیگر امور زندگی کشور جلوگیری کند و این وظیفه انقلابی خود میدانند. حزب ما در هم‌جا و حتی در مناطقی چون کردستان، که همه امکانات برای خرابکاری بدون مجازاتی آماده است، یکنه‌ها بندها و نیروی است که در زیرشده‌ترین مخاطر و گلوله‌های ضد انقلاب مردم را به هبستگی با جمهوری اسلامی ایران، افشا و طرد ضد انقلاب و پایان مقابله و محاصره با جمهوری اسلامی ایران فرا می‌خواند. صفحات نامه مردم و کار عملی حزب ما، گواه روشن بر این واقعات است.

برخی از کسانی که هنوز در دنیای "آزاد" غرب زندگی می‌کنند و تمام افکار و اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی آنان نیز در قفس تنگ این دنیای فریبکار محصور است، ما را و انقلاب ما را از "منزوی" شدن می‌ترسانند.

آیا برآستی انقلاب ایران در جهان منزوی شده است؟ و آنهم بدانسان که قلم این آقایان صحنه پردازی می‌کند؟

بنظر ما، نابلوتی که این آقایان از جهان ترسیم می‌کنند، با واقعیت فرسنگها فاصله دارد. درست است که امپریالیسم آمریکا و هم‌پیمانانش و چند کشور دیگر سرمایه‌داری اروپا با انقلاب ایران سر ناسازگاری در پیش گرفته‌اند و تمام توان خویش را بر ضد انقلاب ایران بکار انداخته‌اند. اما مگر دنیا به همین چند کشور خاتمه می‌یابد؟ و فزوتتر از آن، ما بایستی چه می‌کردیم که این کشورهای غارتگر، که تمام هستی‌شان "از خون و زندگانی انسان گرفته رنگ"، دست از "دست از" انسان گرفته رنگ، دست از "کلوخ اندازی" به سوی ما برمی‌داشتند؟

ما می‌گوییم "گروگانگیری" ما را منزوی کرده است. بسیار خوب، ماهمین فردا بدستور آنان عمل می‌کنیم و "گروگانها" را با سلام و صلوات آزاد می‌کنیم. آیا پس از این عمل، امپریالیست-های امریکائی با ما آشتی خواهند کرد و چشم طمع خود را از منابع نفتی ما و تمام منطقه خواهند کند؟ امریکائی‌ها، که طرح ایجاد پایگاه‌های نظامی خود را در مصر، سومالی، عمان، عربستان سعودی، ترکیه، پاکستان و... در گرداگرد ما برای دهسال آینده کشیده‌اند و در بودجه‌های جنگی خودشان نیز وارد کرده‌اند، اگرما "گروگانها" را پس دادیم، از آن صرف نظر خواهند کرد؟ آیا امپریالیستهای شکست خورده امریکائی و انگلیسی، که ۵۰۰ میلیون دلار تنها در اختیار شبکه براندازی "اسقفی اعظم" اسفهان قرار داده‌اند، با "من بمیرم" "توبمیری" دست از تصمیم خود بر خواهند داشت؟

می‌نویسند که انقلاب ایران در جهان اسلام، بدلیل اعمال ناصواب، از جمله فتوای دادگام‌های شرع بخصوص در مورد زنا و لواط و غیره منزوی شده است. گوئی اگر این "اعمال ناصواب" انجام نمی‌گرفت، ملک خالد و ملک حسن و شیوخ خلیج و سادات و ضیا-الحق و صدام حسین و سلطان

قاپوس برای جمهوری اسلامی ایران کف می‌زدند و هورا می‌کشیدند.

ما اگر می‌خواستیم در جمع ملوک و دیکتاتورهای خون‌آشام، که در راس برخی ممالک اسلامی جای گرفته‌اند، منزوی نشویم، بایستی شاه سابق را نگاه می‌داشتیم، و حالا که انقلاب کرده و او را رانده‌ایم لااقل دست به ترکیب سرمایه‌داران وابسته و موسسات وابسته‌های خارجی و جاسوخانه‌های امریکا نمی‌زدیم. در آنصورت البته در بین دولتهای غارتگر امپریالیستی و کشورهای مرتجع منطقه نه تنها منزوی نمی‌شدیم، بلکه با آنان "لحمک لحمی" نیز بودیم و اما حالا که انقلاب ما، بدون عقب‌گرد و بدون انحراف، با گامهای استوار پیش می‌رود، "مقتیان" همین کشورهای باصطلاح اسلامی جمع می‌شوند، تا با زیر و رو کردن کلمات نطق امام خمینی و تحریف روح گفته او، امام خمینی را "منحرف" از اسلام وانمود کنند!

آقایانی که برای انزوی انقلاب ایران نوحه

نشد بخاطر بیرون آمدن از این "انزوا"، هیچ یک از اصول انقلاب سوسیالیستی خود را فدا کند. آن روزها اتحاد شوروی یگانه کشور سوسیالیستی جهان بود. اما امروز این "انزوا" بکلی درهم شکسته شده است و دنیای نوین سوسیالیسم با شرکت تعداد زیادی از کشورهای تازه بوجود آمده است، که دوستان فراوانی نیز در خارج از آن دارد. آقایانی که از "انزوی" انقلاب ایران سخن می‌گویند، عمداً بر این دنیای نوین چشم می‌پوشند. دنیا برای آنان یکی است: دنیای سرمایه‌داری، دنیائی که انقلاب ایران را به محاصره کشیده‌است، دنیائی که بی‌دری برای براندازی نظام انقلابی، ما توطئه می‌چیند، دنیائی که مهره‌های خود را در همه جا، جابجا کرده است، تا استقامت روحی فرزندان دلیر ایران را از ترس "انزوا" درهم بشکنند.

خیر آقایان! انقلاب ایران "منزوی" نشده است. دنیائی که در آن انقلاب ایران "منزوی"

آیا انقلاب ایران به انزوا کشانده شده است؟

شده است، دنیای "آزاد"! سرمایه‌داری است. در ورای این دنیای پوسیده، دنیای نوین سوسیالیستی و دنیای خلقهای ستمدیده وجود دارد که انقلاب ایران را با روی گشاده پذیرفته‌اند و آنرا گامی بلند در راه آزادی و استقلال همه خلقهای خاور نزدیک و میانه می‌دانند.

روزنامه‌های کشورهای سوسیالیستی را ورق بزنید و ببینید که در آنها چه کلمات گرمی درباره انقلاب ایران نوشته شده است و می‌شود. مردم کشورهای سوسیالیستی انقلاب ایران را چون حادثه‌ای بزرگ در راه رهائی خلقهای ستمدیده ارزیابی می‌کنند و آماده‌اند با تمام نیرو و توان خود به مردم ایران برای نازندگی جامعه‌ای شکوفان و خودکفا کمک کنند. اگر کسانی که جهان را تنها از دریچه دنیای "آزاد" خودشان می‌نگرند، تاکنون زیر عنوان "نشرقی، نه غربی"،

سراشی می‌کنند، به ما تلویحا می‌گویند: چرا امپریالیسم آمریکا و هم پیمانانش و دست-نشاندها را رنجانده‌ایم؟! اما انقلاب، اگر انقلاب واقعی باشد، ناچار در داخل و خارج کسانرا خواهد رنجانید. هر انقلاب اصلی، در داخل و خارج کشور، دوستان و دشمنانی خواهد داشت، که تبدیل دشمنان این انقلاب به دوستان، جز با انصراف از آرمانها و اهداف توده‌هایی که در انقلاب خون ریخته‌اند، امکان پذیر نیست.

انقلاب واقعی، پیش از آنکه از دشمنانش بهرآسد، باید به دوستانش بیانیدشد و اصولیت خود و آرمانهای مردم بپا خاسته را فدای مصلحت-های کوتاه بینانه سیاسی نکند. انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر سالیان دراز در جهان "منزوی" بود، ولی اتحاد شوروی حاضر

هزاران مانع بر سر راه همکاری و همیاری جمهوری اسلامی ایران با دوستان بیغرضش نتراشیده بودند، نیمی از دشواریهای کنونی ما وجود نداشت.

علاوه بردنای سوسیالیستی، خلقهای آسیا و آفریقا و امریکای لاتین و کشورهای مستقل این قاره‌ها انقلاب ایران را از مصمیم قلب استقبال کردند. هندوستان، دومین کشور جهان از لحاظ جمعیت، دست دوستی خود را به سوی انقلاب ایران دراز کرد و ویتنام قهرمان پشیمانی بیدریغ خود را از انقلاب ایران اعلام داشت. در آفریقا بغیر از مصر و سومالی و جمهوری نژادپرست آفریقای جنوبی و مزدورانی چون ملک حسن سایر کشورها همه از انقلاب ایران آبراز خرسندی کردند. در امریکای لاتین تنها رژیم فاشیستی شیلی و نظائرش از انقلاب ایران ناخرسندند. در حالیکه کوبای سوسیالیستی و نیکاراگوئه آزاد شده، دوست انقلاب ایران‌اند.

البته هستند کسانی که می‌خواهند انقلاب ایران را منزوی کنند. اما انقلاب ایران "منزوی" بشو نیست. این آقای برژینسکی است که به وزارت امور خارجه آمریکا رهنمود می‌دهد که انقلاب ایران را باید بخصوص از اتحاد شوروی "منزوی" کرد، تا بتوان "رژیم خمینی" را زودتر سرنگون کرد. آری، هستند کسانی که برای پیاده کردن همین رهنمود برژینسکی تلاش می‌کنند و برای "منزوی" کردن ایران از دنیای سوسیالیسم می‌کوشند و برای خارج کردن ایران از "انزوا"، دردنیای سرمایه‌داری سنگ به سینه می‌زنند و همه چیز را وارونه جلوه می‌دهند.

اما انقلاب ایران نه تنها "منزوی" نشده است، بلکه به همت مبارزاتی که دسیسه‌های امپریالیسم را فاش و هر روز شبکه‌ای از شبکه‌های جاسوسی انگلستان و آمریکا و دیگر هم‌پیمانانشان را کشف می‌کنند، دیوارهای "انزوائی" که دشمنان ایران می‌خواهند برگرد انقلاب ما بکشند، روز به روز سست‌تر می‌شود. آری، هر روز گوشها باز و چشمها بازتر می‌گردد و مردم دوستان و دشمنان انقلاب خودشان را بهتر تشخیص می‌دهند. بگذار ما در بین دشمنان ایران "منزوی" باشیم، اما اطمینان داریم که دوستان انقلابمان هرگز ما را در مصیبت‌ها تنها نخواهند گذاشت.

تورم و سیاستهای پولی و اعتباری بانک مرکزی

صرف رسیده و بقیه در اختیار بخش‌ها و واحدهای دیگر قرار گرفته است. (روزنامه اطلاعات، اول شهریورماه ۱۳۵۹).

به طوریکه ملاحظه می‌شود، قسمت اعظم اعتبارات مزبور، یعنی حدود ۲۱۰ میلیارد ریال آن به مصرف رفع نیازهای عمومی رسیده و به هیچ وجه در خدمت تولید قرار نگرفته است. همچنین است میلیتی که به تهیه کتابهای درسی اختصاص داده شده و بالاخره با توجه به اینکه خرید ماشین آلات راه سازی نیز مستقیماً به افزایش میزان تولید کمک نمی‌کند، باید در اینگونه اقدامات نیز در حال حاضر کاملاً محتاط بود و با دوراندیشی بسیار اقدام کرد.

بنابراین، نتیجه سیاست اعتباری بانک مرکزی این بوده است که، مصارف غیر تولیدی بطور غیرطبیعی افزایش یافته است، که نتیجه چنین سیاستی جز تشدید فشارهای تورمی چیز دیگری نمی‌تواند باشد.

خلاصه آنکه، هم سیاست پولی و هم سیاست اعتباری بانک مرکزی خلصت انبساطی داشته است و اگر در جهت فلتی ادامه یابد، عدم تعادل موجود در اقتصاد کشور بازم تشدید خواهد شد. برای رویارویی با وضع کنونی، باید به اقدامات زیرین توسل جست:

۱- تنظیم برنامه‌های کوتاه مدت و بلندمدت اقتصادی. باید توجه داشت که برای مبارزه با تورم و بیگاری طرح هردو نوع برنامه ضرورت دارد، زیرا اگر تنها، به اجرای برنامه‌های کوتاه مدت مبادرت گردد، از ایجاد واحدهای تولیدی، که در صنعتی شدن کشور نقش اساسی دارند، غفلت شده است، و اگر برعکس، فقط توجه به اجرای برنامه‌های بلند مدت داشته باشیم، نه تنها با تورم مبارزه نکرده‌ایم، بلکه موقتاً به تشدید آن نیز کمک

از ابزارهای سیاست پولی و مالی در جهت کم کردن میزان پول در گردش، افزایش پس اندازها نزد سیستم بانکی و جلب توجه مردم به لزوم کاستن میزان مصرف و کاهش هزینه‌های دولتی و تلاش در جهت ایجاد تعادل در بودجه، ملکت، قدم برداشت.

حال بینیم سیاستهای پولی و اعتباری بانک مرکزی از کدام خصوصیت برخوردار بوده است:

در زمینه حجم پول در گردش، بانک مرکزی به منظور رفع نیازهای پولی کوتاه مدت، از یک سیاست منبسط پیروی کرده و در نتیجه مرتباً بر میزان پول در گردش اضافه شده است. تردید نیست که یکی از عوامل افزایش نرخ تورم میزان پول در گردش است که به هیچ وجه با نیازهای واقعی اقتصاد کشور منطبق نیست، و مادام که مبالغ اضافی از بازار خارج نگردد، نباید به کاهش فشار تورم امیدوار بود.

در مورد سیاست اعتباری بانک مرکزی نیز باید اعلام کرد که سیاست مزبور نیز از مشخصه سیاست پولی برخوردار بوده و در همان مسیر در حرکت است.

بانک مرکزی اعلام کرد که در ۵ ماهه اول سال جاری، مبلغ ۳۰۲ میلیارد ریال اعتبار بوسیله بانک مزبور در اختیار وزارتخانه‌ها، شرکتها و مؤسسات دولتی و بانکها قرار گرفته است. از مبلغ مزبور حدود ۲۱۰ میلیارد ریال جهت تهیه کالاهای ضرور، مانند ارزاق عمومی، دارو و کاغذ اختصاص یافته است. علاوه بر این، مبلغ ۵۰۰ میلیون ریال به سازمان ایرانگردی و جهانگردی و مبلغ ۷ میلیارد ریال به وزارت راه و ترابری برای خرید ماشین آلات راه سازی و یک میلیارد ریال برای تهیه کتابهای درسی به

مورد تهدید قرار می‌دهد و تاچه حد فشار هزینه زندگی بردوش زحمتکشان سنگینی می‌کند.

همانطور که تا بحال چندین بار در نامه "مردم" منعکس گردیده، اگر روند کنونی شاخص بهای عمده فروشی و خرده فروشی کالاها ادامه یابد و هرچه زودتر اقدامات صحیح اقتصادی برای مقابله با آن به انجام نرسد، تا پایان سال جاری، نرخ تورم در ایران از حدود ۵۰ درصد سال ۱۳۵۸ نیز تجاوز خواهد کرد و وضع بغرنجی برای اقتصاد ایران بوجود خواهد آمد.

در کنار این تورم کم نظیر، و یاب گفته رئیس کل بانک مرکزی "در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم بی سابقه"، باید عامل بیگاری را نیز به عنوان یک خطر جدی برای اقتصاد ایران مورد توجه قرار داد. بنا بر آمارهای کم و بیش قابل اعتماد، تعداد بیگاران در ایران به ۳ تا ۴ میلیون نفر بالغ شده است، که اگر به قول رئیس کل بانک مرکزی استناد کنیم و قبول داشته باشیم که "اسمال ۷۰۰ هزار الی یک میلیون نفر نیروی کار جوان، ۱۸ ساله به بازاری آیند و کسی به این فکر نیست که برای آنها کار ایجاد کند" (روزنامه انقلاب اسلامی، ۲۹ مردادماه ۱۳۵۹)، آنوقت با سیاه عظیمی از بیگاران درحد ۵ میلیون نفر روبرو می‌شویم، که اقتصاد ایران در وضع فعلی قدرت جذب آنها را نخواهد داشت.

معمولاً وقتی در کشوری تورم به این میزان بالغ شد، باید آنرا کاملاً جدی تلقی کرد و با استفاده از کلیه امکانات درصدد مهار کردن آن بود. به عبارت دیگر، در این اوضاع و احوال، کلیه دستگاههای اقتصادی با تشریک مساعی با یکدیگر تلاش می‌کنند که با این بیماری خطرناک مقابله کنند و با اعمال سیاستهای انقباضی، از فشار تورم بکاهند و وضع عادی را اعاده دهند. توضیح آنکه، در شرایط تورمی باید با استفاده

چندی پیش رئیس کل بانک مرکزی، طی مصاحبه‌ای، اعلام داشت که:

"تورم ایران بعد از جنگ جهانی دوم در دنیا بی سابقه است." (روزنامه انقلاب اسلامی، ۲۹ مرداد ۱۳۵۹).

نامبرده در ادامه سخنانش، در ارتباط با کسر بودجه و میزان صادرات نفت، گفت:

"صادرات نفت ایران در تیرماه متسافانه به سطح ۵۷۰ هزار بشکه رسید و این سطح بسیار پائین است. موقعی که صادرات و بودجه کشور در سال ۱۳۵۹ تصویب شد، صادرات نفت را براساس ۲ میلیون بشکه گذاشته بود، یعنی ۲ میلیون بشکه تولید و دو میلیون بشکه صادرات. با این حساب کسری بودجه از صدرصد بیشتر بود، یعنی کسری از خود بودجه بیشتر بود، که این در تاریخ بی نظیر است. حال این درآمد، بجای آن یک سوم و یا یک چهارم شده و با این مسئله کسری بودجه خیلی زیاد است و کشور در یکه مضیق مالی شدید خواهد بود."

برای اینکه تا بلوی روشنتری از وضع نابسامان اقتصادی کشور در اختیار داشته باشیم، لازم است که به آمار بانک مرکزی ایران در مورد شاخص بهای عمده فروشی کالاها توجه کنیم.

بانک مرکزی اعلام کرد که: "شاخص بهای عمده فروشی کالاها در ایران در تیرماه ۱۳۵۹ نسبت به تیرماه ۱۳۵۸ بیش از ۳۴ درصد افزایش از خود نشان داد." (روزنامه اطلاعات، ۲۵ مرداد ۱۳۵۹).

حال اگر فراموش نکنیم که آمار بانک مرکزی مربوط به بهای عمده فروشی کالاها است و برای اطلاع از بهای خرده فروشی کالاها باید چند درصد به بهای عمده فروشی اضافه کرد، آنوقت متوجه خواهیم شد که چه خطر بزرگی اقتصاد ایران را

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک در جبهه متحد خلق

کارگران کفاش تبریز میگویند:

ما فاقد مزایای قانونی هستیم
 ما دلتترچه خدمات درمانی می خواهیم
 بازرگانی خارجی را ملی کنید، جلوی
 احتکار و گرانی را بگیرید!
 مواد اولیه مورد نیاز ما را فراهم کنید

"بیکار بودم. در تظاهرات شرکت می کردم
 ..."
 می پرسیم: ازدولت چه انتظاری داری؟ می
 گوید:
 "باید سرمایه داری بزرگرا از بین ببرد و
 کارخانه ها را ملی کند و دردست خود بگیرد."
 می پرسیم: سرمایه دار طاغوتی کیست؟ میگوید:
 "آن کسی که کارگران را بی رحمانه استثمار
 می کند، اجناس و مواد اولیه را احتکار می کند و
 باعث گرانی می شود."
 با صاحب یک کارگاه صحبت می کنیم. می گوید:
 "ده سال است که کفاش. بزرگترین مشکل
 زندگی مسکن است و بزرگترین مشکل کار اینک،
 مواد اولیه کم است و گران، دولت باید بازرگانی
 خارجی را دردست خود بگیرد، تا از گرانی کالاها
 جلوگیری کند."

می پرسیم: حالا که آمریکا به ایران تجاوز
 نظامی کرده و خطر هنوز رفع نشده، مردم چه
 وظایف دارند؟ می گوید:
 "سأله اساسی فعلا اتحاد همه نیروهاست.
 گروههای سیاسی نباید کارشکنی کنند. باید
 اختلافات خود را کنار بگذارند."
 و کفاش دیگری می گوید:
 "حدود بیست سال است کفاش می کنیم. فعلا
 برای خودم کاری کنم. جنس پیدا نمی شود. اگر
 هم پیدا بشود، گران به دست ما می رسد. دلیلش
 هم اینست که سرمایه داران محترک، کالا را انبار
 می کنند و به قیمت گران می فروشند و ما مجبوریم
 بخریم. مثالی بزنم. چرمی را که سی تومان
 می خریدیم، حالا پنجاه تومان شده است. همان
 طور که در قانون اساسی نیز قید شده است،
 بازرگانی خارجی باید دردست دولت متمرکز شود،
 تا جلوی تورم و گرانی گرفته شود. قبلا ما محتاج
 کفاشی از هندوستان و آلمان غربی و انگلستان
 وارد می شد. دولت می تواند این اجناس را ببرد
 و در اختیار ما قرار دهد. فعلا، متأسفانه هنوز وضع
 ماتئیری نکرده، فشار زندگی زیاد شده است."
 و ادامه می دهد:
 "اگر از سندیکیا مابستیبانی
 شود، فکر می کنم بیشتر مشکلات ماحل شود."
 به کارگاه دیگری می رویم. با صاحب کارگاه به
 گفتگو می نشینیم. می گوید:
 "ما اینجا دو نفر شریکیم. مواد اولیه کمیاب
 است. سرمایه داران احتکار می کنند. بیکار یکی از
 آنها را دستگیر کردیم و تحویل ستاد مبارزه با
 گرانفروشی دادیم. ولی باز مشکل ما حل نشد.
 به نظر من دولت باید تمام کارخانه های بزرگ را
 ملی کند و دست سرمایه داران بزرگ را کوتاه کند."

طی گفتگویی که در کارگاههای کفاشی با
 کارگران و صاحبان کارگاهها داشتیم، آنها در
 یک مسئله متفق اند: اگر مواد اولیه پیدا نشود،
 شش الی هفت هزار کارگر کفاشی بیکار می شوند.
 دولت باید به فکرتئیه و تامین مواد اولیه
 کفاشی باشد و جلوی سرمایه داران غارتگری را
 که اجناس را احتکار می کنند و باعث بالا رفتن
 قیمت ها می شوند، بگیرد.

در خیابان خاقانی وارد کارگاهی می شویم.
 ساختمان مخروبه ای است که هر آن احتمال
 ریزش آن می رود. ولی کارگران می گویند:
 "مجبوریم اینجا کار کنیم."
 با کارگری به نام قهرمان صحبت می کنیم.
 وی می گوید:

"۱۶ سال دارم. تا کلاس اول راهنمایی
 درس خوانده ام، ولی بعدا مجبور شدم کار
 کنم و شبها به مدرسه بروم. گرانی وحشتناک
 است. با ۴۰ تومان نمی شود زندگی را گذراند.
 مجبورم روزانه ده الی دوازده ساعت کار کنم،
 و به همین علت شبها نیز نمی توانم درس
 بخوانم."

می پرسیم: از انقلاب چه توقعی داری؟
 می گوید:

دولت باید جلوی گرانی را بگیرد و به فکر
 ما کارگران روز مزد باشد. ما ماهها روی گوشت
 و میوه را نمی بینیم. دولت باید موقعیتی فراهم
 کند که ما بتوانیم تحصیل کنیم."
 کارگر دیگری به نام ناصر می گوید:
 "ما کارگران کفاش از همه گونه امکانات
 بهداشتی - رفاهی محرومیم. نه بیمه داریم،
 نه حق مسکن می گیریم، نه هیچ چیز دیگر. روزی
 ده - دوازده ساعت کار می کنیم. ۲۴ سال دارم،
 ولی ۱۵ سال است که کارگر کفاشم."

و ادامه می دهد:

"تازه من کار دارم. من به فکر دوستان
 کارگرم هستم که بیکارند و در خیابانها سرگردانند."
 می پرسیم: علت این همه بدبختی چیست؟
 می گوید:

"قبل از هرجیز، سیاست ضد کارگری رژیم منفر
 گذشته و بعد سهل انگاری مقامات دولتی. اگر
 دولت جلو کارشکنی کارفرمایان را می گرفت و از
 تعطیل کارخانه ها جلوگیری می کرد، وضع فرق
 می کرد."

می پرسیم: سندیکیا دارید؟ می گوید:
 "سندیکیای تشکیل شده، ولی به عللی هنوز
 نتوانسته کار خود را شروع کند. در این میان یک
 عده سرمایه دار طاغوتی کارشکنی می کنند. کارگران
 علاوه بر وظایف اجتماعی که برای مردم در برابر
 امپریالیسم هست، رفا هم می خواهند."
 یحیی کارگر دیگری می گوید:

"۱۲ سال دارم. قبلا درس می خواندم. ولی
 فعلا کاری کنم و عصرها به مدرسه می روم. باده
 ساعت کار روزانه، ۴۰ تومان مزد می گیرم."
 می پرسیم: در زمان انقلاب چه کاری کردی؟
 می گوید:



ناموسی که سرمایه دار وابسته هست و سرمایه داری
 بزرگ حاکم است، وضع کارگران بهتر نخواهد شد."
 همراه یکی از کارگران این کارگاه، می گوید:
 "بیش از هفت سال است که کفاشم. در زندگی
 نه مسکنی دارم و نه رفاهی. دوسه بار به بنیاد
 مسکن مراجعه کردم. ولی هنوز موفق نشده ام
 خانهای گریبیاورم. دولت باید به وضع ما رسیدگی
 کند. ما می خواهیم تحت پوشش بیمه خدمات
 درمانی قرار بگیریم."

فرامرز، یکی دیگر از کارگران، می گوید:
 "هیجده سال دارم. اول قالی بافی می کردم،
 ولی فعلا در کفاش مشغول کارم. تا کلاس سوم درس
 خوانده ام. بعد مجبور شدم کار کنم. فعلا خرج سه
 نفر را می دهم. ازدولت می خواهم که به وضع ما
 رسیدگی کند."

فرج کارگر دیگر کارگاه می گوید:
 "خرج ما از درآمدمان بیشتر است. وضع
 زندگی ما اصلا خوب نیست. تا به حال کسی به
 اینجانبان آمده، تا به وضع ما برسد. شما اولین فردی
 هستید که بعد از انقلاب، از وضع زندگی ما خبر
 می گیرید."
 انقلاب را شروع کردیم. ما انقلاب کردیم.
 ولی زندگی ما بهتر نشده است. پانزده سال است
 کارگرم، ولی یک قران پس انداز ندارم. ما
 می خواهیم که دولت جلوی گرانی را بگیرد و به
 وضع بیمه ما رسیدگی کند. می خواهیم بیمه
 خدمات درمانی شویم. دولت باید برای ما شرکت
 تعاونی ایجاد کند و ما را از این گرانی خلاص
 کند."
 کارگر دیگری می گوید:

"چهل سال کار کردم. اولین خواستم
 اینست که به ما دلتترچه خدمات درمانی بدهند.
 شما بگوئید، ما کی باز نشست خواهیم شد؟ کجای
 دنیا آدم بعد از چهل سال کار کردن باز مجبور است
 قسط بانک بدهد؟ بعد از عمری، خانه ای گرفته ام
 و حالا مجبورم مرتب بول بانک را بدهم."
 می پرسیم: زمان انقلاب چکار می کردند؟
 می گوید:

خواسته های کارگران کفاش عبارتند از:
 ۱- تامین بیمه خدمات درمانی،
 ۲- تامین مسکن،
 ۳- تامین مواد اولیه.

چرا کارگران آدمیرام اخراج می شوند؟
 کارخانه آدمیرام در جاده فرودگاه
 شیراز قرار دارد. این کارخانه بعد از
 ملی شدن به نفع بنیاد مستضعفین
 مصادره شده.
 به گفته کارگران این کارخانه،
 مدیر داخلی کارخانه چشم دیدن مخالفان
 خود را ندا رد و هر کارگری که با وی مخالف
 باشد، اخراج می شود و تاکنون چندین
 کارگر اخراج شده اند. یکی از آنها وقتی
 شرح اخراجش را می داد، متذکر شد که
 آقای مدیر او را مجبور کرده که علیه
 برادران کارگرش گزارش تهیه کند و در
 واقع جاسوسی کند. وقتی حاضر به این کار
 نشده، وی را اخراج کرده و حکم اخراجش
 را به بنیاد مستضعفین فرستاده است.
 متأسفانه آنجا نیز به کارگر
 رسیدگی نشده است و وقتی کارگر در مورد
 اخراجش توضیح خواسته است، جرم او را
 شرکت در کار نون اسلامی شوراها ذکر
 کرده اند!
 آیا بنا به بدکارگری رابه جرم شرکت در
 کار نون اسلامی شوراها از کارخانه اخراج
 کنند؟
 کارگران این کارخانه از مسئولین
 امر می خواهند هر چه زود تر به وضع آنان
 رسیدگی کنند.

اخبار کارگری

گرستی باید بکشیم، ولی اگر حقوق مسلم
 و تعیین شده ما طبق بخشنامه وزارت کار
 پرداخت شود، دیگر تن به این خواری و
 ذلت نخواهیم داد. وظیفه دولت است که
 به درد دل ما برسد و ما را از این بدبختی
 نجات دهد. ما می توانیم مثل دیگر کارگران
 زندگی کنیم."
 این کارگران سندیکیا دارند، ولی هنوز
 فضای حاکم بر سندیکیا طاغوتی است. نمایندگان
 نیز از بیم اخراج، کاری از دستشان ساخته نیست.
 به این ترتیب سندیکیا تاکنون هیچ فعالیتی در
 مورد احقاق حقوق کارگران نداشته است.

- کارگران دفاتر رسمی، خواسته های خود را
 این گونه بیان داشتند:
- ۱- اجرای بخشنامه جدید وزارت کار و
 پرداخت حداقل حقوق مطابق آن،
 - ۲- پرداخت کمک هزینه مسکن، خواربار و
 حق اولاد،
 - ۳- بیمه کردن کارکنان،
 - ۴- ملی کردن تمام دفاتر اسناد رسمی.

مسئولین به نامه «مردم» پاسخ می دهند

اداره کل کار و امور اجتماعی استان خراسان،
 در ارتباط با خبر منتشره در شماره ۲۵۶ نامه مردم
 (مورخه ۵۹/۱/۲۵)، زیر عنوان "امنیت جانی و
 سلامتی کارگران در حین کار باید تامین شود."
 نامه ای به دفتر نامه مردم ارسال داشته، و
 بویژه در ارتباط با حادثه ای که منجر به قطع سه
 انگشت دست یک کارگر در کارخانه چرم و پوست
 خراسان مشهد شده، مسأله ای را عنوان کرده است.
 در این نامه آمده است:
 "تا آنجایی که این اداره کل اطلاع دارد،
 کارخانه چرم و پوست خراسان، از نظر ایمنی
 حفاظتی وضع نسبتا مناسبی دارد."
 در ادامه نامه، ضمن اشاره به حادثه منجر
 به قطع سه انگشت دست یک کارگر آمده است:
 "حادثه ای که در تاریخ ۵۸/۱۰/۲۵ برای
 آقای ابراهیم پرهیزکار اتفاق افتاده... بازرس
 کار این اداره کل، که کارشناس حوادث ناشی از
 کار می باشد، از محل حادثه بازرسی به عمل آورده
 و گزارشی نیز تنظیم و به مراجع ذی ربط اعلام
 گردیده."

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند.
 زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

روستاهای دهدز «سادات حسینی کوزوک» و مشکلاتشان کدوری به روستا



کودکان و معلمین دبستان روستائی دهدز «سادات حسینی کوزوک» با راهپیمائی خود، از تشکیل شورای اسلامی در ده حمایت می کنند.

سادات حسینی «کوزوک»، دهستانی بزرگ از توابع بخش دهدز است، که در شمال شرقی ایذه واقع شده است و از جنوب به چهارمحال بختیاری، از مشرق به کوه بلندپایه و پوشیده از برف قلیون و از مغرب به رودخانه کارون منتهی میشود. مردم سادات زندگی خود را از راه دامپروری و کشاورزی و کارهای دستی نظیر قالیبافی می گذرانند. از وسائل کشاورزی خبری نیست و کشاورزان غالباً از وسائل کشاورزی سنتی استفاده میکنند. رودخانه کارون دهستان سادات حسینی را از ساپروستاها آیده، به خصوص بخش دهدز، جدا می کند، و در اینجا مسافران هیچگونه پل ارتباطی وجود ندارد. مردم این دیار از نظر کشاورزی و بهداشت و آموزش و بزرگترین تولیدکننده و عیب افتاده ترین روستا نشینان خوزستان هستند. هنوز کشاورزان با استفاده از وسائل سنتی کار و آهنگ زینهای خود را شخم می زنند.

تأثیر از انقلاب، در اینجا مردم - ستم دیده و زحمتکش زیر فشار خان ها زندگی می کردند و از ابتدا ثمرین امکانات زندگی محروم بودند.

پس از پیروزی انقلاب، اهالی زحمتکش این روستا، با همکاری نهادهای انقلابی، ویژه جهاد سازندگی، با کمک معلمین اقدام به تشکیل شوراهای کردند. تعداد افرادشورا، که با توجه به نسبت افراد در روستا تعیین شد، در مجموع به ۲۳ نفر رسیده که به عنوان شورای اسلامی سادات حسینی فعالیت خود را شروع کردند. از عملکردهای انقلابی این شورا تقسیم زمین بطور عادلانه بین کشاورزان و مبارزه با مواد مخدر بوده است. با ساداران انقلاب در حل مشکلات

زندگی روستایان همکار بسیار نزدیک با آنها داشته اند.

مردم سادات حسینی کوزوک طی مدت اخیر با برپائی تظاهرات با شکوه در پشتیبانی از رهبران انقلاب و تأسیس دانشجویان مسلمان پیرو خط امام به دنبال راهپیمائی علیه تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا، خواستهای خود را از طریق شورای منتخب خود با مسئولین در میان گذاشتند. مهم ترین خواست های مردم سادات حسینی عبارتند از:

۱- اعزام بزرگ و بهبود وضع درمانی

و بهداشتی منطقه.

۲- کمکهای دولتی در جهت بهبود

وضع کشاورزی

۳- احداث پل بر روی رود کارون

در قسمتی که از کنار این روستا میگذرد.

اخیراً بانک کشاورزی با همکاری

نهادهای انقلابی، وامهای ۵۰۰۰ تومانی

در اختیار کشاورزان قرار داده اند. ولی

اهالی زحمتکش و محروم این روستاها

هنوز در انتظار اقدامات بنیادین زسوی

دولت در جهت بهبود وضع کشاورزی، درمانی

و فرهنگی هستند.

زمین را در شولاتی آباده تقسیم کنید

مدتی پیش دهقانان شولاتی آباده، با کمک جهاد

سازندگی موفق شدند به بعضی از خواستهای خود برسند.

تا سال پیش، تقسیم برداشت محصول بین ارباب و رعیت

چهار یک بود، یعنی از ۴ من برداشت محصول، سه من

متعلق به ارباب و ۱ من متعلق به رعیت بود. امسال دهقانان

با کمک جهاد سازندگی موفق شدند که نسبت مزبور را

به پنج دو برسانند، یعنی از ۵ من برداشت محصول، سه

من به ارباب و دو من به رعیت تعلق میگیرد، مشروط

بر اینکه، آب و بذر و کود و هزینه شخم و دوز را ارباب

بدهد.

۳۶ جبهه از آب شولاتی متعلق به بزرگ مالکان بود.

(لازم به تذکر است که هر دلتگ شامل ۱۴ جبهه است).

همچنین بنیاد مستضعفین آباده اموال یک فئودال را

مصادره کرد. این فئودال در عباس آباد، که یکی از

روستاهای آباده است، زندگی میکرد. او مالک بیش از

۴۰ باغ انگور و زمینهای زیر کشت گندم و جو بود.

این زمیندار بزرگ در مزارع لانا و سرگز نیز

صاحب آب و زمین بود. مزرعه کوچک بطور کامل در

اختیار او بود. کوشک ۱۸ اینج آب دارد. عباس آباد

نیز ۱۸ اینج آب دارد. بطور عمده آب عباس آباد و زمین-

های مزروعی در اختیار او بود. فعلاً قرار بر این شده که

دهقانان نصف محصول را به بنیاد مستضعفین بدهند و

نصف دیگر را خود بردارند، ولی هنوز زمینها را واگذار

به دهقانان نکرده اند.

با واگذاری زمین به دهقانان تهر دست و توزیع

عادلانه آب، عدالت در این روستا برقرار میشود. محصول

دهقان مال خود دهقان است، زیرا حاصل دسترنج

اوست.



تعدادی از کشاورزان روستان «هرچگان» در حال انجام کار (چیدن یونجه). آنها نیز، در اثر سرمای شدید، مقداری از محصولات پاییزه خود را از دست داده اند. آنها میگویند اینهمه زحمت میکشیم، ولی

دهقانان کم زمین و بی زمین!
باتشکیل کمیته های خود و با تکیه به پاسداران متعهد و افراد سوسز جهاد سازندگی، به مسئولان دولتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سرپا و بسود شما اجرا شود

پاسخ مسئولین به خواستهای دهقانان

در نامه «مردم» شماره ۳۶، مورخ ۲۷ شهریور ۱۳۵۹، یک خبر دهقانی با عنوان «قبل از برخورد و تشنج باید هر چه زودتر به خواستها رسیدگی کرد» درج گردید. در این زمینه یک نامه، با شماره ۱۶۰۶۳۰۰-۳۷ مورخ ۲۷ شهریور ۱۳۵۹، از طرف مدیر عامل شرکت سهامی آب منطقه ای شما به دفتر نامه «مردم» ارسال شده است. این نامه عیناً نقل میگردد:

«آبی که از فوتمات از طریق کانال احداث شده و مزارع برنجکاری کشاورزان کپورچال حدود ۴۰ کیلومتر بندر ازلی از این آب مشروب میشود، اخیراً توسط عده ای مسدود شده و مانع رسیدن آب به مزارع گشته اند و کشاورزان خواستار احقاق حق هستند» درج گردیده که با حقیقت وفق نمیدهد. برای روشن شدن اذهان عمومی و حقیقت موضوع لزوماً اشعار میگردد که به اراضی کپورچال در موقع خود آب کافی از طریق کانال آب بر فوتمات داده شده و در حال حاضر کشاورزان مشغول جمع آوری محصول خود میباشند.

نامه «مردم» شماره ۳۶، مورخ ۱۶ تیرماه ۵۹، با عنوان «مسائل روستاهای کوچصفهان گیلان» نامه ای از طرف روابط عمومی بانک کشاورزی، با شماره ۱۰۵۹۳۹۹۰۱۲۸۳-۱۰ مورخ ۲۷ شهریور ۵۹، به دفتر نامه «مردم» ارسال گردیده، که عیناً درج میگردد:

«شعب بانک کشاورزی در سراسر کشور آماده میباشند تقاضاهای وام کشاورزان را برای انواع فعالیت های کشاورزی دریافت دارند و بابت رسیدگی و وام لازم پرداخت نمایند. کشاورزان عزیز روستاهای کوچصفهان نیز میتوانند به نزدیکترین شعبه بانک کشاورزی، مراجعه و تقاضای وام نمایند.

تقاضای شان در موعد مقرر رسیدگی شده و کارشناسان و ارزیابان بانک از محل توستانها و سایر مراکز که برای اجرای طرحهای کشاورزی در نظر گرفته اند، بازدید نموده و با توجه به مقررات وام لازم را تصویب می نمایند. مدت وام نیز با توجه به نوع فعالیت کشاورزی و امکانات مالی متقاضیان تعیین میشود و بهره نیز حذف شده و فقط سالانه ۴ درصد کارمزد دریافت میشود.»

نامه «مردم» - ضمن تشکر از حسن توجه مقامات مسئول، امیدواریم که کشاورزان کوچصفهان با دریافت کمک مالی بتوانند به حل گوشه های از مشکلات خود موفق شوند.

در شماره ۴۰۸ نامه «مردم» مورخ ۲۴ شهریور ۵۹، یک خبر دهقانی تحت عنوان «جاده های روستائی یک مسئله مهم و جدی» از روستای ونج کلا، از توابع قائمشهر درج گردید.

در این زمینه از طرف اداره کل ارشاد ملی استان مازندران نامه ای به شماره ۳۹۴۸، مورخ ۲۷ شهریور ۵۹، و فتوکی نامه ای از طرف مدیر کل راه و ترابری استان مازندران، به شماره ۷۳۴۷، مورخ ۱۵ شهریور ۵۹، به دفتر نامه «مردم» ارسال گردید، که عیناً نقل میگردد:

«پیرو نامه شماره ۱۳۴۴-۱۳۴۴ مورخ ۲۷ شهریور ۵۹، ضمن تأیید کارشناسان فرمانداری قائمشهر و اداره کل راه و ترابری مسیر روستائی واسکس- ونج کلا به لحاظ دارا بودن راه ارتباطی طی سال جاری در اولویت قرار ندارد.»

نامه «مردم» - ضمن تشکر از حسن توجه مقامات مسئول، با توجه به اینکه راه ارتباطی نامبرده در مواقع اضطراری مشکلاتی برای روستائیان فراهم میسازد، در صورت وجود امکانات لازم، از مقامات مسئول درخواست میکنم که در برنامه عمرانی آتی خود، حتماً به بازسازی این جاده اقدام نمایند.

قانون اصلاحات ارضی باید در جهت ریشه کن ساختن بزرگ مالکی و دادن زمین به کلیه دهقانان بی زمین و کم زمین، هر چه سریعتر و قاطعتر اجرا شود

نیستند و برای این منظور تمام نیروی خود را متشکل کرده اند و در فکر آنند که از کوچکترین امکان برای ضربه زدن بسه انقلاب ما استفاده کنند.

جواب توطئه های امپریالیسم را باید با هوشیاری نیروهای انقلابی و استفاده از تمام امکانات توده های مردم و بر مبنای اتحاد نیروهای مبارز ضد امپریالیسم داد. با شد که این با ریز توطئه های امپریالیسم آمریکا برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران خنثی و پیروزیهای بیشتری نصیب انقلاب ایران گردد.

مرک برای امپریالیسم آمریکا!

زنده باد جمهوری اسلامی ایران!

برقرار باد اتحاد همه نیروهای انقلابی تحت رهبری امام خمینی!

حزب توده ایران - سازمان شهرستان آبادان ۱۳۵۹/۶/۳

ساختن تلاشهای دشمنان انقلاب فروگذار نخواهد کرد.

بدنبال این اعلامیه، حزب توده ایران - سازمان شهرستان آبادان، در دوماه به سپاه ساداران انقلاب اسلامی آبادان خواستار آن شد که، از تمام نیروی حزب برای مبارزه با تهاجم امپریالیسم، در هر نقطه و مکانی که سپاه ساداران صلاح بدانند، استفاده شود. در کنار تمام این کوششها، حزب توده ایران - سازمان شهرستان آبادان، با راهها و به مناسبتهای مختلف، نیروهای سیاسی شهر را از متشنج کردن جوشهر بر حذر داشته و با تمام نیرو علیه تشنج در سطح شهر رزمیده است.

لذا جای بسی تأسف است که دادسرای انقلاب اسلامی آبادان تمام این واقعیتها را نادیده گرفته و با ممنوع کردن فعالیت حزب ما، عملاً به تضعیف مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و ضدا انقلاب داخلی پرداخته است.

حزب توده ایران - سازمان شهرستان آبادان ضمن اعتراض شدید به این حکم غیر عادلانه و خلاف قانون اساسی، نظر خاص بر محترم آبادان و سایر مقامات مسئول را به نادرستی آن جلب میکند و خواستار آنست که هر چه زودتر، محدودیتهای که بر سر راه فعالیت حزب ما ایجاد شده است، برطرف گردد.

دشمن در کمین است. امپریالیسم آمریکا و رژیمهای وابسته به آن، آتی از توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران غافل

حزب توده ایران - سازمان شهرستان آبادان: جواب توطئه های امپریالیسم را باید با هوشیاری و بر مبنای اتحاد نیروهای مبارز ضد امپریالیسم داد

بدنبال اعلامیه دادستان انقلاب آبادان و خرمشهر مبنی بر ممنوع بودن فعالیت چند گروه و سازمان و از جمله حزب توده ایران، سازمان حزب توده ایران در آبادان نامه ای خطاب به ریاست دادسرای انقلاب اسلامی این شهرستان نوشته است متن این نامه بشرح زیر است:

ریاست محترم دادسرای انقلاب اسلامی آبادان و خرمشهر

بدنبال درگیری تاسف باری که در روز پنجشنبه و جمعه ۳۱ و ۳۰ مرداد ماه در دو شهر آبادان و خرمشهر روی داد (رویدادی که دل هرایرانی مبارز و وطن دوستی را ببرد می آورد) دادسرای انقلاب اسلامی آبادان و خرمشهر، طی اطلاعیه ای، فعالیت چند گروه سیاسی را در سطح این دو شهر ممنوع و تعیین تکلیف درباره آنها را بعهده مجلسین شورای اسلامی محول کرد.

در کنار ممنوع کردن فعالیت چند گروه دیگر، فعالیتهای حزب ما نیز به ناحق و بدون آنکه کوچکترین شرکتهای در واقع اخیر داشته باشد، ممنوع اعلام گردید. در اعلامیه دادسرای انقلاب اسلامی آبادان از جمله از حزب ما بعنوان حزبی توطئه گرو برهم زنده نگه داشتن و در خط آمریکا نام برده شده است.

حزب توده ایران - سازمان شهرستان آبادان: حزب توده ایران به سپاه ساداران انقلاب اسلامی آبادان، در دوماه به سپاه ساداران انقلاب اسلامی آبادان خواستار آن شد که، از تمام نیروی حزب برای مبارزه با تهاجم امپریالیسم، در هر نقطه و مکانی که سپاه ساداران صلاح بدانند، استفاده شود. در کنار تمام این کوششها، حزب توده ایران - سازمان شهرستان آبادان، با راهها و به مناسبتهای مختلف، نیروهای سیاسی شهر را از متشنج کردن جوشهر بر حذر داشته و با تمام نیرو علیه تشنج در سطح شهر رزمیده است.

لذا جای بسی تأسف است که دادسرای انقلاب اسلامی آبادان تمام این واقعیتها را نادیده گرفته و با ممنوع کردن فعالیت حزب ما، عملاً به تضعیف مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و ضدا انقلاب داخلی پرداخته است.

حزب توده ایران - سازمان شهرستان آبادان ضمن اعتراض شدید به این حکم غیر عادلانه و خلاف قانون اساسی، نظر خاص بر محترم آبادان و سایر مقامات مسئول را به نادرستی آن جلب میکند و خواستار آنست که هر چه زودتر، محدودیتهای که بر سر راه فعالیت حزب ما ایجاد شده است، برطرف گردد.

دشمن در کمین است. امپریالیسم آمریکا و رژیمهای وابسته به آن، آتی از توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران غافل

تورم و ...

بقیه از صفحه ۲

کرده ایم.

۲- نظارت بر اجرای دقیق برنامه ها بوسیله دولت و بانک های پرداخت کننده اعتبار. تنها بدین طریق می توان مطمئن بود که اجزاء برنامه ها در زمانهای پیش بینی شده به انجام خواهد رسید و در پایان مدت مقرر به اجرای کامل برنامه موفق خواهیم شد.

۳- نظارت بر حجم پول در گردش و تطبیق آن با نیازهای واقعی اقتصاد. بانک مرکزی که قبول کرده است، تورم ایران در سالهای بعد از جنگ دوم بی سابقه است، باید بعنوان فوری ترین وظیفه خود به استفاده از وسایل لازم، به مبارزه با تورم برخیزد و تعادل لازم را در اقتصاد ایران تامین کند.

۴- همچنین برعهده سازمان برنامه و بودجه و وزارت امور اقتصادی و دارائی است که هم گام با بانک مرکزی، اقدامات لازم در جهت جبران کسری عجیب بودجه کشور بعمل آورند، و به قول رئیس بانک مرکزی، کسری بیش از صد درصد را بپوشاند.

باید هر چه زودتر مطالعات لازم برای تهیه بودجه جدید بر اساس اوضاع و احوال بعد از تحریم اقتصادی و کاهش درآمد حاصل از نفت، به عمل آید و هدف این باشد که، تا حد امکان در هزینه ها صرفه جویی شود و به درآمدها اضافه گردد.

یک بار دیگر با صراحت و روشنی کامل اعلام می کنیم که: اگر این وضع ادامه یابد و با برنامه ریزی های صحیح و استفاده از ابزارهای اقتصادی به مبارزه با مشکلات اقتصادی نرویم، دستاوردهای انقلاب با خطرات جدی روبرو خواهد شد.

درجهان سوسیالیسم

درآمد ملی کشورهای «شورای همپاری اقتصادی» در کمتر از سی سال هشت برابر شد

در سالهای ۵۹-۱۳۵۸، کشورهای «شورای همپاری اقتصادی» کوششهای خود را برای نزدیک تر کردن سطح اقتصاد خود را به دست دادند.

در سال ۱۳۲۹، تولید صنعتی و درآمد ملی سرانه کشورهای «شورای همپاری اقتصادی» به ترتیب ۵ و ۳/۲ برابر کشورهای عضو «شورا» بود. این ارقام اکنون به ۱۷/۲ و ۱۲۱/۳ تنزل یافت.

در ارزیابی دستاوردهای اقتصادی-اجتماعی کشورهای عضو «شورا» باید توجه داشت که، این نتایج، بیامد و آدامه «کامیابی» های این کشورها در سالهای پیشین بود. روند رشد اقتصادی در کشورهای سوسیالیستی، روندی پیگیر است. آنها، برخلاف کشورهای سرمایه داری، مجبور نیستند که به علت بحران و دیگر بلاهای شیوه تولید سرمایه داری نخست مواضع از دست رفته خود را باز با بندوبس از آن احیا تا به مراحل پیشرفته تر برسند.

برای مقایسه، در سالهای ۵۸-۱۳۲۹، درآمد ملی کشورهای «شورای همپاری اقتصادی» هشت برابر شد، در حالی که این پیکره برای کشورهای عضو «جامعه اقتصادی اروپا» کمی بیش از ۲ بود.

در سال ۱۳۲۹، تولید صنعتی کشورهای «شورا» که اکنون عضو «جامعه اقتصادی» هستند، از تولید «شورای همپاری اقتصادی» بود، امروزه تولید کشورهای «شورا» بیش از دوبرابر تولید «جامعه اقتصادی اروپا» است.

درجهان سرمایه داری

تورم و بیکاری فزاینده در بریتانیا

نرخ تورم در بریتانیا، با ۲۲ درصد، رکورد جدیدی بجای گذاشته است. این رقم دوبرابر پیکره مشابه در آستانه نخست وزیر بریتانیا تا جرات بدین ترتیب، بریتانیا از نظر نرخ تورم، پس از ایتالیا (۲۴/۵ درصد) مقام دوم را حائز است. تورم تنها مصیبت اقتصادی بریتانیا نیست. بیکاری وسیع نیز در آنجا بیداد می کند. جدول زیر، که برپایه آمار رسمی تدوین شده است، اطلاعات بیشتری در این باره بدست میدهد.

سال	شماره بیکاران (به هزار)
۱۳۵۴	۱۰۱۴
۱۳۵۶	۱۳۷۸
۱۳۵۸	۱۳۹۱
تیرماه ۱۳۵۹	۱۶۰۰

اعلامیه سازمان حزب توده ایران در بوشهر:

ضد انقلاب در منطقه متشکل میشود، هشیار و متحد باشیم!

مردم مبارز بوشهر!، مسئولین محترم امورا! انقلاب ایران با گشودن افقهای نو بر مردم ما، توان این را دارد که امیدها و آرمانهای جامعه ایران را تحقق ببخشد. امواج توفنده انقلاب در جریان برکنی رژیم فاسد گذشته توانست به یکی از عظیم ترین شگفتی های قرن، یعنی سرنگونی رژیم آمریکائی شاه دست یازد. انقلاب ماتوانسته است بخشی از خواسته های محرومان را برآورده نماید، ولی مادرین لحظه که یکسال و اندی از انقلاب می گذرد، با مسائل و دشواریهای فراوانی روبرو هستیم.

از یکطرف عوامل وابسته به رژیم سابق، که می بایست بلافاصله پس از پیروزی انقلاب قلع و قمع شوند، بدلیل سیاست مآشات دولت موقت تا حدود زیادی از خطر جستن و بطور پیگیر در حال سازماندهی و پارگیری برای مقابله با انقلاب هستند. ضدانقلاب از ناپسامانی های که خود موجد اصلی آنست، به وجد آمده و تلاش می کند عوامل خود را از جم و ریز گرفته تا دیلم متشکل سازد و حتی سعی می کند با استفاده از کانالهای رسمی و حتی برقراری تماس با بعضی از مسئولین صدیق، ولی ناگاه و یا سازشکار، توطئه خود را تکمیل کند.

خوانین منطقه در حال مسلح شدن هستند. این ضدانقلابیون از باشی تا پشتکوه گرفته تا خائیز و جم و ریز، علنا دست به تشکیل گروه های مسلح جهت صف آرائی در مقابل جمهوری اسلامی می زنند.

خوانین و قاچاقچیان عمده، با استفاده از ناراضی های، برخورد های محلی را دامن می زنند و با تبلیغات سوء، سعی در کشاندن مردم محروم بسوی عوام فریبی های رادیکال می کنند. آنها بمنظور ایجاد زمینه های مناسب برای اغتشاش و ناامنی، ضمن ارتباط گیری با مزدوران خسرو قشقائی، به اختلافات مذهبی نیز دامن می زنند.

از طرف دیگر ندانم کاریها و برخورد های غیرفعال با خواسته های مردم در این استان محروم، متأسفانه زمینه تبلیغات شوم ضد انقلاب را فروزتر ساخته است. با آنکه مشکلات اقتصادی کنونی، اعم از بیکاری، تورم و گرانی و فلج شدن واحدهای تولیدی، بطور عمده ارثیه شوم گذشته و همچنین ناشی از خرابکاری ضدانقلاب و محاصره اقتصادی امپریالیسم آمریکا و متحدان آنهاست، ولی ضدانقلابیون سعی در این دارند که همه را به حساب روحانیت مبارز پیرو خط امام بگذارند و ذهن مردم را نسبت به رهبری انقلاب تیره سازند. با توجه به چنین شرایطی، ما از مسئولان می خواهیم که هر چه سریعتر به خواسته های بحق مردم پاسخ مساعد داده شود. در همان حال ضرور است که توان انقلابی سپاه پاسداران، جهاد سازندگی، بسیج ملی و سایر نهادهای برآمده از بطن انقلاب، هر چه سریعتر تقویت گردد.

ما ضروری می دانیم که بگونه ای اصولی و ریشهای با مشکلات مردم، اعم از بیکاری، اختلافات محلی برآوردن نیازهای اولیه زندگی، مانند آب، برق، بهداشت و فرهنگ و نیز ساله کشاورزی و سایر مسائل حادث برخورد شود.

همشهریان عزیز! مسئولین محترم! شرایط حساسی بر منطقه حکم فرماست. میتوان با تحکیم اتحاد همه نیروها و با دوری جستن از شیوه های تفرقه افکن، ضدانقلاب را در هر لباسی شناخت، شناساند و منفرد ساخت و مواضع او را درهم کوبید.

افشاگری و مبارزه علیه این نیروهای ضدانقلابی وظیفه عاجل و مبرم تمام نیروهای راستین ضد-امپریالیست و وفادار به انقلاب شکوهمند ایران به رهبری امام خمینی است. ما هشدار می دهیم که هرگونه جدائی و ایجاد دشمنی میان نیروهای راستین پشتیبان جمهوری اسلامی ایران، صرفاً آب به آسیاب ضدانقلاب ریختن است. در چنین شرایط حساسی باید چشم بپدار و مغز آگاه و هوشیار داشت.

حزب توده ایران - سازمان شهرستان بوشهر بارها و بارها با تکرار موارفوق آمادگی همه جانبه خود را در تمام زمینه ها برای همکاری با سایر نیروهای انقلابی اعلام داشته و در این زمینه، با نوشتن نامه به ستاد بسیج ملی نیز، آمادگی خود را به اطلاع رسانیده است.

حزب توده ایران - سازمان شهرستان بوشهر ۵۹/۶/۹

در اجلاس ویژه سازمان ملل متحد، نمایندگان کشورهای در حال رشد خواهان تغییرات بنیادی در روابط اقتصادی بین المللی شدند

امپریالیستی نمی خواهند در زمینه روابط اقتصاد، بین المللی امتیازات خود را از دست بدهند و بنابراین طبیعی است که راه و روش مستقل کشور-هائی مانند آنگولا خوشایند این قدرتها نیست و تلاش می شود تا اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این کشورهایی تبات شود.

نماینده ایتوپیایی گفت که کشورهای جوان بار شاق افزایش بحران اقتصادی کشورهای سرمایه داری را بردوش دارند و نظام اقتصادی کهنه، که تنها به نفع قدرتهای سرمایه داری است، باید به طور اساسی تغییر کند.

نماینده ایتوپیایی به نقش کاهش مسابقه تسلیحاتی صلح جهانی در برپشت کشورهای در حال توسعه اشاره کرد.

در جریان مباحثات گفته شد که سیاست غارت-گرانه انحصارات امپریالیستی، که «قواعد بازی» را در بازار جهانی تعیین می کند، یکی از عوامل اساسی وخامت اوضاع اقتصادی کشورهای نواستقلال است.

بنا به آمارهای منتشر شده، نرخ متوسط سود شرکت های چندملیتی در کشورهای در حال توسعه، اکنون ۱۷/۵ درصد است، در حالی که این رقم در کشورهای غربی ۹/۷ درصد است.

در این اجلاس نمایندگان کشورهای سوسیالیستی تاکید کردند که روابط این کشورها با ممالک در حال توسعه بر اساس برابری کامل و نفع متقابل استوار است.



نهیضت مبارزه با بیسوادی در نیکاراگوئه با موفقیت به پیش می رود

در نیکاراگوئه، مردم انقلابی این کشور، به قول خود «اولین پیروزی بزرگ» بعد از پیروزی بر دیکتاتور سوموزا را جشن می گیرند، و این جشن بخاطر پایان مرحله اول مبارزه با بیسوادی در سرتاسر کشور است.

قبل از سرنگون شدن رژیم دست نشانده و خون آشام سوموزا، بیش از سه چهارم مردم نیکاراگوئه از نعمت خواندن و نوشتن محروم بودند. به همت جبهه ملی آزادی بخش ساندینیست، هزاران تن از دانش آموزان، دانشجویان و افراد باسواد به شهرهای کوچک، روستاهای دورافتاده، مزارع، کارخانه ها و کارگاهها اعزام شدند و در مدتی کمتر از ۴ ماه مرحله اول سوآآموزی، یعنی خواندن و نوشتن به پایان رسید و بیش از چهارصد هزارتن باسواد شدند. (جمعیت نیکاراگوئه حدود ۲ میلیون و پانصد هزار نفر است).

۲۳ اوت مراسم بزرگی در میدان بزرگ شهر نیکاراگوئه برپا شد، که در آن از جمله بیست هزار نفر از افرادی که در این نهضت بزرگ فعالیت داشتند، شرکت کردند. این فعالین در روستاها نه تنها به کشاورزان سوآآموزتند، بلکه روشهای مدرن کشاورزی، مسائل مقدماتی بهداشتی و دامداری و غیره را نیز به روستائیان که قرنها بوسیله استثمارگران و فئودالها در پی خبری نگاه داشته می شدند، آموختند. بزودی مرحله دوم سوآآموزی، یعنی دادن آموزش وسیعتر به توده های که باسواد شده اند، آغاز می شود.

بازار مکاره لایپزیک گشایش یافت

بازار مکاره لایپزیک گشایش یافت (جمهوری دمکراتیک آلمان) با شرکت ۵۲ کشور جهان، از جمله بیست کشور آسیا، آفریقا و آمریکا لاتین گشایش یافت. بازار مکاره لایپزیک تا ششم سپتامبر ادامه دارد. اتحاد شوروی بزرگترین شرکت کننده این بازار است.

مدیر بازار مکاره گفت: «این بازار با ردیگر سهم برجسته خود را در توسعه تجارت جهانی و همکاری های سلامت-آمیز ادا خواهد کرد. رهبر جمهوری دمکراتیک آلمان، ضمن دیدار از غرفه اتحاد شوروی، گفت که شدیداً تحت تاثیر قرار گرفته است. وی اضافه کرد که غرفه مردم این نشاندهنده دستاوردهای بزرگ مردم این کشور است. هونگر با آوردن غرفه اتحاد شوروی نشان دهنده تدارک گسترده برای بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی است، که دورنماهای جدیدی برای ساختن سوسیالیسم و کمونیسم و صلح جهانی خواهد گشود.

راشلیگ جکسون، وزیر امور خارجه و تجارت خارجی گوین، در نطق خود در اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ضمن اشاره به لزوم تغییرات بنیادی در روابط اقتصادی بین المللی تاکید کرد که تدابیر ظاهری نمی تواند به حل و فصل مشکلات کمک کند.

جکسون گفت که کشورهای صنعتی غرب با سیاست حمایتی خود جدا مایه نگرانی کشورهای در حال توسعه شده اند.

نماینده لیبی در این اجلاس که برای بررسی روابط جدید اقتصادی جهانی تشکیل شده است، به کشورهای در حال توسعه توصیه کرد که منابع طبیعی خود را راسا در دست گیرند و به نفع توده ها از آن استفاده کنند.

نماینده لیبی ضمن اشاره به تسلط قدرتهای غربی بر صندوق بین المللی پول و وام های کم رکن این صندوق، گفت که کشورهای در حال توسعه هر سال میلیاردها دلار تنها صرف پرداخت بهره این وامها می کنند.

وزیر برنامه ریزی آنگولا نیز در نطق خود گفت که تورم فزاینده و افزایش قیمت ها و ازدیاد بیکاری در کشورهای صنعتی غرب و سیاست های حمایتی این کشورها اثراتی مخرب بر اقتصاد آنگولا بجای گذاشته است، و این در حالی است که سوآآموزی با آورده انحصارات در کشورهای صنعتی سرمایه داری روز به روز افزایش می یابد.

نماینده آنگولا یادآور شد که قدرتهای بزرگ

خطر اشغال السالوادور بوسیله آمریکا بسیار جدی است

حزب کمونیست السالوادور اعلام کرد که مبارزان راه آزادی در کشور، علیرغم سیاست سرکوب دارو دسته مزدور حاکم، فعالیت های خود را افزایش می دهند.

حزب کمونیست السالوادور در بیانیه خود اضافه کرد که هزاران تن از مبارزان در سرتاسر کشور، همراه با توده های محروم، در همه ابعاد با رژیم سرسپرده کشور مبارزه می کنند.

از سوی دیگر، دارو دسته حاکم بر کشور سیاست سرکوب و فشار را علیه خلق افزایش می دهد. واحدهای ارتش در سان سالوادور خانف های کارگران را برای یافتن اسلحه جستجو می کنند.

حزب کمونیست السالوادور اعلام کرده است که از زمان روی کار آمدن دارو دسته نظامی، ۶ هزار تن در کشور به قتل رسیده اند، و مستشاران آمریکایی عملیات سرکوب علیه خلق را رهبری می کنند.

دبیرکل جبهه آزادی بخش خلق السالوادور، یکی از سخنگویان نیروهای چپ، در مصاحبه ای گفت: «خطر اشغال السالوادور بوسیله آمریکا بسیار جدی است.»

این سخنگو گفت که اکنون یک ناو هواپیمابر و ۸ کشتی جنگی آمریکا همراه با دوهزارتفنگدار در سواحل آمریکای مرکزی مستقر شده اند.

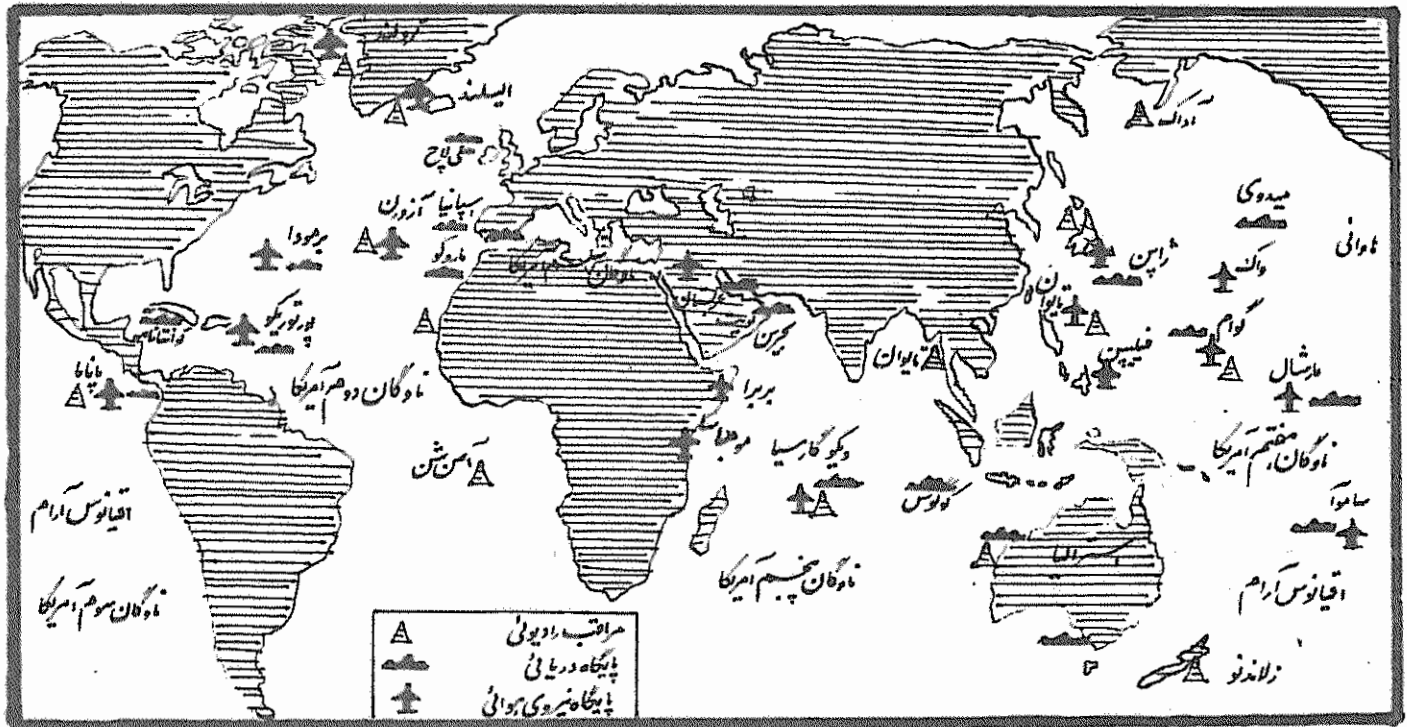
با کمک و حمایت کشورهای سوسیالیستی و نیروهای ترقیخواه و صلح دوست جهان، مردم کامپوچیا ساختار اقتصادی - اجتماعی کشور را احیاء می کنند

پن سووان، معاون شورای انقلابی خلق کامپوچیا، در ملاقات با یک هیئت سازمان صلح و همبستگی سرتاسری هند، گفت که جمهوری خلق کامپوچیا خواهان گسترش و بهبود همه جانبه روابط با جمهوری هند به نفع ملت های دو کشور است، و این امر به تحکیم صلح و ثبات در آسیای جنوب شرقی کمک میکند.

پن سووان سیاستگزاری دولت کامپوچیا را نسبت به بانو ایندیرا گاندی نخست وزیر و دولت هند برای اقدام شرافتمندانه آنها در مورد شناسائی جمهوری خلق کامپوچیا ابراز داشت و همچنین از سازمانهای ترقیخواه هند و مردم این کشور به خاطر همبستگی با مردم کامپوچیا تشکر کرد.

معاون دولت کامپوچیا گفت که مردم این کشور پس از سه سال حکومت دارو دسته بول پوت - پتنگ ساری، به تلاش وسیع برای فائق آمدن بر مشکلات عدیده و عادی کردن زندگی در کشور دست زده اند و بر اثر کمک و حمایت کشورهای سوسیالیستی برادر و نیروهای ترقیخواه و صلح دوست جهان، مردم کامپوچیا توانسته اند ساختار اقتصادی - اجتماعی کشور را احیاء کنند.

امپریالیسم امریکا - ژاندارم جهانی



سوسیالیستی و تجاوز علیه جنبش های آزادی بخش ملی و کشورهای مترقی و مستقل جهان، کاسته نشده است، بلکه چنانکه اخبار هفته‌های اخیر حاکی است، دینتاکون برای توسعه هرچه بیشتر شبکه پایگاههای خود کوشش می‌ورزد. پایگاههای یومپاسا در کنیا و بربرادرسومالی، تنها دو نمونه این گسترش طلبی است.

براون، وزیر دفاع آمریکا، در سخنرانی پایتخت سال گذشته، مقاصد تجاوزکارانه دینتاکون را آشکارا لو داد. وی گفت:

«مرزهای ایالات متحده آمریکا» کمابیش را دربر میگیرد، که از شمال تروژ شروع میشود و به ژاپن ختم میگردد».

جدول زیر، که بر پایه داده‌های «یو. اس. نیوز الیورک ریپورت» تدوین شده است، شمار سربازان آمریکایی را در خارج از مرزهای ایالات متحده نشان میدهد:

شماره سربازان آمریکایی	کشور
۲۳۹۰۰۰	جمهوری فدرال آلمان
۲۳۰۰۰	بریتانیا
۱۱۷۰۰	ایتالیا
۸۷۰۰	اسپانیا
۴۹۰۰	ترکیه
۳۳۰۰	یونان
۳۳۰۰	ایسلند
۲۲۰۰	هلند
۲۰۰۰	بلژیک
۱۴۰۰	پرتغال
۲۵۰۰۰	ناوگان ششم (مدیترانه)
۴۶۲۰۰	اقیانوس آرام و خاور دور
۳۹۰۰۰	کره جنوبی
۱۴۱۰۰	فیلیپین
۸۸۰۰	گوام
۷۰۰	استرالیا
۵۰۰	میدوی
۲۲۰۰۰	ناوگان هفتم
۹۵۰۰	دیگر مناطق
۳۵۰۰	منطقه کانال پاناما
۲۱۰۰	یوتوریکیو
۱۳۰۰	گواتانامو
۱۱۰۰	برمودا
۷۰۰	دیوگاریسیا
۴۰۰	کانادا
۱۴۰۰	عربستان
۱۴۰۰	دیگر کشورها

آتلانتیک؛ ناوگانهای سوم و هفتم، مرکب از شش هواپیما در اقیانوس اطلس خاوری و باختری و ناوگان ششم، مرکب از دو هواپیما در مدیترانه، دینتاکون، اینک استقرار ناوگان دائمی دیگری را در اقیانوس هند تدارک می‌بیند. همه این ناوگانها و ناوگرها در واقع پایگاههای شناور آمریکا هستند.

در تابستان سال ۱۳۲۴، پس از جنگ دوم جهانی، ژنرال آرتوله، فرمانده نیروی هوایی آمریکا، گفت:

«حریف بعدی ما روسیه است. برای آنکه بتوانیم نیروی هوایی استراتژیک خود را موقعا به یکار بندیم، در سراسر جهان به پایگاه نیازمندیم».

همزمان لنگریانند از بند بپافکن - های استراتژیک دینتاکون، قادرند که از دیوگاریسیا خود را در اسرع وقت به هر یک از کشورهای ساحلی اقیانوس هند برسانند. در منطقه اقیانوس آرام و خاور دور، ۱۳۰ هزار سرباز و افسر آمریکایی در کشتیهای ناوگان هفتم و پایگاههای دیگر، از جمله در ژاپن، کره جنوبی و فیلیپین به خدمت گمارده شده‌اند. یکی از مجهزترین مراکز موشکی ایالات متحده در آتول کواجالین (جزایر مارشال) واقع است.

صد و پنجاه هزار سرباز آمریکایی در منطقه گاراپیپ، بویژه در پایگاههای پورتوریکو، منطقه کانال پاناما و گواتانامو تمرکز یافته‌اند.

فزون بر این، واحدهای نیروی دریایی آمریکا پیوسته در اقیانوسها و دریاهای گوناگون دکشت می‌سازند، از جمله: ناوگان دوم، مرکب از پنج هواپیما و تعداد کثیری رزمناو در

دینتاکون اکون به ساختن دو پایگاه نظامی در سحرای نجو پرداخته است، که قرار است اختیار نیروی واکنش سریع قرار گیرد. بنوشته نیویورک تایمز، این نیروی ۱۱۰ هزار نفری وظیفه «بهداشتی از منافع حیاتی» آمریکا را در «مناطق حساس جهان» به عهده خواهد داشت.

آمریکا در عمان در جزیره همیره پایگاه دارد. ستاد کل نیروهای آمریکا در خاورمیانه چندایستگاه مراقبت نظامی «دینتاکون» در بحرین در جزیره منامه مستقر است.

در عربستان سعودی، ایالات متحده از پایگاههای هوایی و دریایی ظهران، جیل، جده، تبوک و ریاض استفاده می‌جوید. در اقیانوس هند، آمریکا در جزایر سیشل، الداراء، مسروج و فرقیار پایگاه دارد، اما مهم ترین پایگاههای دریایی و هوایی آنجا در دیوگاریسیا است، که ده کشتی جنگی میتوانند در آنجا

است. ناوگان ششم ایالات متحده در دریای مدیترانه، از جمله، از پایگاههای نابل، گتا و سینیولا (سیسیل) استفاده میکند. زیر-دریاییهای اتمی آمریکا در دریای مدیترانه در جزایر لاسدالنا و سانتا استافانو سوخت و آذوقه می‌گیرند. ایالات متحده همچنین در جزایر کرت و آگرویری پایگاه دارند. هواپیماهای آمریکایی از پایگاههای بریتانیا در قبرس برای مأموریت‌های جاسوسی علیه کشورهای سوسیالیستی و خاورمیانه و نزدیک استفاده می‌جویند. پس از انقلاب ایران، آمریکاییها برخی از تجهیزات جاسوسی خود را از ایران به پایگاههای بریتانیا در قبرس و منطقه شمالی این جزیره، که اینک در اشغال نیروهای ترکیه است، انتقال دادند. در اسرائیل، آمریکاییها از فرودگاه آسوم برای پروازهای جاسوسی و از بندر حیفای بمبوان پایگاه دریایی استفاده میکنند.

دینتاکون سالهاست که شبکه‌ای گسترده از پایگاههای نظامی در سراسر جهان پدید آورده و بویژه در دوران اخیر به گسترش بسیار آن دست زده است. چنانچه تنها پایگاههای آمریکایی در خارج از اتحاد شوروی را در نظر بگیریم، شماره آنها حداقل ۲۸۶ است.

ایالات متحده آمریکا در ۱۱۴ کشور جهان بیش از ۲۵۰۰ واحد تجهیزات نظامی دارد. در حدود نیم میلیون سرباز آمریکایی، یعنی یک چهارم نیروهای مسلح آن کشور، در خارج از مرزهای آمریکا مستقرند.

تنها در کشورهای اروپایی باختری و کانادا، نیروی هوایی ایالات متحده آمریکا ۲۴ پایگاه هوایی دارد. در ترکیه، ۲۶ پایگاه هوایی و دریایی و ایستگاه رادار مستقر

آقای غرضی استاندار خوزستان در مصاحبه با رادیو اهواز: برای مقابله با آمریکا «هر چه توده‌های تر کردن انقلاب و پیشبرد برنامه‌های انقلابی»

«انقلاب وقتی میخورد وارد سازماندهی ضدانقلاب بشود، دچار اصطکاک میشود. همانطور که وقتی نظام اداری یا آموزشی میخورد تغییر کند، ایجاد برخورد و مسائلی می‌شود. در ارتش هم به همین صورت است و من فکر نمی‌کنم کسانی که مسئله برایشان روشن است، دچار ابهام شوند».

من وظیفه داشتم که از جریانات داخل پادگانها مطلع شوم و مسائلی را که در آنجا هست، ببینم. همانطور که در سایر جاها و ادارات مسائلی هست و ضدانقلاب سعی میکند به آنها تکیه کند، آنها می‌خواستند یک جمعیت زیادی را، با همان فرماندهی که با سیستم طاغوت تربیت شده‌اند، اداره کنند. آنها حاضر نبودند مسائل و اتفاقات داخل پادگانها را به ما اطلاع دهند».

وقتی از آنها گزارش میخواستیم می‌گفتند ما گزارشات را به ستاد کل ارتش می‌فرستیم و طبیعتاً آنها گزارشات واقعی را نمی‌فرستادند و راحت می‌توانستند توطئه کنند. بنابراین وقتی این جریانات می‌خواست شکل بگیرد، برادران سپاه پاسداران و سایر برادران داخل پادگان شروع به کار کردند و ما توانستیم این توطئه را کشف کنیم. بنا بر این شما چگونه می‌توانید افرادی از این قماش را به فرماندهی انتخاب کنید؟ بنابراین من سعی کردم افسرانی از ارگانهای انقلابی و توده‌ای را انتخاب کنم، چون ما می‌خواستیم از اتفاقات درون پادگانها مطلع شویم. به همین دلیل برادران سپاه پاسداران را به درون پادگانها فرستادیم، تا از نزدیک با برادر ارتش برخورد و تماس داشته باشند. ما سعی کردیم که فلسفه شهادت را، که برادران سپاه به آن معتقد هستند، به شکل کلی در بین همه رایج و تقویت کنیم. ما سعی کردیم مانع شویم که چهار پنج تا خان بتوانند یکدسته انقلاب را شکست دهند».

قدرت چه می‌گویند؟ «در بعضی جاها از کمیته‌ها و سپاه پاسداران به عنوان مراکز قدرت اسم برده میشود. اما ما باید بدانیم که قانونمندیهای انقلاب ایجاد میکرد که در مقابل انقلاب مراکز موضعی بوجود آید. اگر ما این مراکز را نداشته‌ایم، چگونه می‌توانستیم پیروز شویم و از حرکات ضدانقلاب جلوگیری کنیم؟ اینجا عناصری هستند که در جهت انقلاب سازمان یافته‌اند».

استاندار خوزستان در ادامه سخن خود درباره سپاه پاسداران و لزوم تقویت آنها گفت:

«در گفتگویی که کاسترود رهبر کویا، با مهدوی کنی، داشتند، گفته است که ما تا ۱۹ سال بعد از انقلاب ارگانهای نظامی انقلابی خود را حفظ کردیم، چون هر آن امکان داشت که آمریکا دوباره به ما حمله کند. می‌بینیم که نقش سپاه بسیار حساس است. ما که هنوز هیچ ارگان اداری - نظامی و اقتصادی نداریم که بتوانیم. گاملا به آنها اعتماد کنیم، چطور از سپاه استفاده کنیم؟ مگر اینکه بخواهیم طبق همان قوانینی که در زمان طاغوت حاکم بوده است، عمل کنیم. بنابراین، اینها مراکز قدرت نیستند، اینها مراکز

آقای غرضی، استاندار خوزستان، در مصاحبه‌ای با رادیو اهواز، که روز جمعه ۲۴ مرداد ماه از این رادیو پخش شد، ابتدا به نقش تجاوزکارانه آمریکا در ایران اشاره کرد و گفت که، آمریکا حاضر نیست از منابع انرژی ما دست بردارد، به همین خاطر او سعی می‌کند در جاهای مختلف ایران دست به توطئه بزند، از جمله در استان خوزستان، که دارای منابع حیاتی برای آمریکا است. و چون اینجا انقلابیونند، زیدی دارد، در اینجا بیشتر فعالیت می‌کند. ضد انقلاب اینجا فعال است.

استاندار خوزستان در پاسخ به این سؤال که: چه راهی برای مقابله با آمریکا در نظر دارید، گفت: «هر چه توده‌ای تر کردن انقلاب و پیشبرد برنامه‌های انقلابی».

ما دیدیم که هر وقت هر برنامه انقلابی میخواست به پیش رود و به اجراء در آید، ضدانقلاب دست به تحریکات و اعمال می‌زد».

آقای غرضی در پاسخ به این سؤال که: بنظر شما وظیفه و رسالت سپاه پاسداران چیست؟ گفت:

«سپاه اگر نبود کشور نبود، یعنی همان چیزی که امام گفته‌اند. من عقیده دارم که تنها بازوی عقیدتی - نظامی این انقلاب، سپاه است، که از توده مردم برخاسته، و همانطور که امام گفته‌اند، سپاه یکدفعه در تمام کشور از میان توده مردم بوجود آمد. این برادران سپاه هستند که بدون توجه به تمام مصائبی که به وسیله ضدانقلاب بوجود آمده - یعنی از بعد از ۴۳ بهمن تاکنون - هنوز پایجا هستند. نه ترور شدند و نه ضدانقلاب توانست آنها را از بین ببرد. یکی از هدفهای سپاه این است که خواسته‌های انقلاب را جامه عمل بپوشاند و اگر این سپاه همین طور به پیش رود، به مرکز مهمی تبدیل خواهد شد».

- درباره سپاه پاسداران به عنوان یک مرکز

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

جلسه علنی دیروز مجلس در ساعت ۵ صبح دیروز بریاست حجت الاسلام رفیعی تشکیل شد. اولین نطق قبل از دستور دیروز مجلس، خاجاطوریان، نماینده ارومیه اصفهان بود. وی در سخنان خود از جمله گفت:

«پیروزی انقلاب ایران، که با سرنگونی یکی از ظالمانه ترین رژیمهای قرن اخیر همراه بود، از یکسو بشارت دهنده آینده ای تابناک برای مردم ایران و از سوی دیگر ضربه ای شکننده بر پیکر امپریالیسم جهانی، برکردگی امپریالیسم آمریکا، ارتجاع منطقه و نیروهای ضدانقلابی و ارتجاعی وابسته به امپریالیسم در داخل است. پیوندهای است که دشمنان انقلاب ایران از فردای پیروزی انقلاب با توسل به انواع دسائس و توطئه ها کوشیدند و می کوشند به انقلاب مردم ایران ضربه زند و آنرا با شکست مواجه سازند. امپریالیسم و توکران حلقه بگوش آنان در منطقه از طریق تبلیغات توسط رادیوها و سایر رسانه های گروهی وابسته بخود، یسرمانه ترین دروغها و تهمت ها را علیه نظام جمهوری اسلامی ایران پخش می کنند و همچنین از طریق کمک مستقیم به عمل خویش در داخل ایران و سازماندهی آنان با اعمال تروریستی، بمب گذاری و ایجاد هرج و مرج سعی می کنند مانع از تثبیت نظام جدید شوند. مداخلات آشکار نظامی در ایران، نقشه های مختلف کودتا و تجاوز نظامی به ایران حاکی از آنست که دژ ارتجاع یعنی امپریالیسم آمریکا همواره در فکر نابود کردن جمهوری اسلامی ایران بوده و هست. هشیاری مداوم نسبت به دسائس این قدرت شیطانی، وظیفه همه مسئولین امور، کلیه نیروها و گروه های سیاسی و اجتماعی هوادار انقلاب و همچنین وظیفه فرد فرد مردم ایران است.»

وی آنگاه به تبلیغات ضد انقلاب درباره اقلیت های ملی و مذهبی در ایران اشاره کرد و از جمله بزرگ شایعه سازیها و دروغ پرانی های دستگاه های تبلیغاتی امپریالیسم در این زمینه تاکید کرد. نماینده ارومیه جنوب در قسمت دیگر سخنان خود به نقش چایکاران آمریکا در ویتنام، شیلی، فلسطین و ایران اشاره کرد و از جنایتها و غارتگری های رژیم شاه سابق در دوره حکومتش بر مردم ایران یاد کرد. خاجاطوریان همچنین درباره نقش دولت دست نشانده ترکیه در تبدیل آن کشور به پایگاه امپریالیسم آمریکا و نیز غصب سرزمینهای ارومیه سخن گفت. وی در پایان سخنان خود درباره دولت جدید و نقشی که می تواند در تثبیت و گسترش دستاوردهای انقلاب ایفا کند، سخن گفت و افزود:

در جلسه علنی دیروز مجلس

حجت الاسلام محمد منتظری:

باید با جنبش فلسطین هماهنگی نظامی، مالی و تسلیحاتی پیدا کنیم

حجت الاسلام منتظری: سیاست «نه شرقی، نه غربی» در نزد بعضی ها طوری شده که در عمل شوروی بیشتر کوییده می شود تا آمریکا. نماینده ارومیه جنوب: دژ ارتجاع، یعنی امپریالیسم آمریکا، همواره در فکر نابود کردن جمهوری اسلامی ایران بوده و هست

معمولا می خواهیم آنها ما را حمایت کنند و ما از آنها حمایت نکرديم. (مثل الجزایر و لیبی و سوریه). ما اگر بخواهیم در سیاست خارجی و نسبت به دشمنانمان نقش تعیین کننده داشته باشیم، باید با آنها هماهنگ شویم. اگر ما با کشورهای مترقی نفتخیز هماهنگ می شدیم، می توانستیم نقش فعال و تعیین کننده داشته باشیم. هی فلسطین، فلسطین کردن هم فایده ای ندارد و ما هنوز کاری صورت ندادهایم.»

حجت الاسلام منتظری سپس ضمن تحلیل وضع منطقه و فعالیت های کشورهای مرتجع نظیر عراق برای انزوا ی ایران در میان کشورهای عربی و اشاره به متنی های مزدور کشورهای عربستان، تونس و مراکش و غیره و توطئه های آنان گفت:

«یکسان دیگر که بگذرد، کوششهای امپریالیسم در برابر خواهد شد. برای دفع این توطئه ها باید فعالانه در منطقه خاورمیانه و نسبت به سرنوشته مسلمانان شرکت کنیم. اگر فعالانه شرکت نکنیم، این توطئه ها را می چینند و ما را محاصره می کنند و در جنگ سرد تبلیغاتی ما را شکست می دهند. اگر ما جدا بخواهیم عمل کنیم، باید جنبشهای رهائی بخشی و کشورهای را که به ما نزدیکترند، در نظر بگیریم و مسائل اقتصادی و سیاسی و نظامی و فرهنگی خودمان را با آنها هماهنگ کنیم تا بتوانیم متحدان در مقابل توطئه های دشمن بایستیم. متأسفانه در ایران سیاستهای اعمال می شده که ما را از کشورهای عربی مترقی دور کند و این سیاست باعث ضعیف تر شدن ما گشته است. اگر ما بخواهیم بطور جدی با آمریکا مخالفت کنیم باید با آنها هماهنگ شویم و گرنه عملاً در دامن آمریکا می افتیم. سیاست نه شرقی نه غربی هم طوری شده که بیشتر شوروی را می گویند، یعنی در عمل آمریکا کمتر کوییده می شود. (البته در مورد بعضیها) بنابراین اگر بخواهیم از این وضع خارج شویم باید فوراً تصمیم بگیریم که با کشورهای «جهان سوم» و مترقی عربی همبسته شویم. جنبشهای آزادیبخش را بطور جدی حمایت کنیم. با جنبش فلسطین هماهنگی نظامی و مالی و تسلیحاتی پیدا کنیم و کمک کنیم و این باعث حل مشکلات خود ما نیز خواهد بود. اگر ما سیاست خارجی واضح و روشنی داشته باشیم، از این جنگهای لفظی هم نجات پیدا می کنیم.»

جلسه دیروز مجلس در ساعت ۱۵ و ۱۱ دقیقه خاتمه یافت. جلسه علنی بعدی ساعت ۹ صبح پنجشنبه خواهد بود.

داخلی کشور، گفت: «متأسفانه همیشه این مسائل جدا از هم بررسی می شود در صورتیکه مسائل داخلی و خارجی بهم پیوسته است. ما نمی توانیم در چهارچوب مسائل داخلی غور و نور شویم و فقط مسئله ایران برای ما مطرح باشد...»

بحث اینروزها این شده که دعوا بکنیم سر لفظ. یکی می گوید کابینه مکتبی است و دیگری می گوید مکتبی نیست! فقط نزاع سر لفظ مکتب است. فلسطینی ها مکتبی نیستند، فلان مکتبی نیست، فلان شخص مکتبی است. مسئله لفظ نیست. مسئله واقعیت خارجی است. و ما مشکلات داخلی مان را با مشکلات جهان مستضعفین و جهان اسلامی با هم بررسی کنیم و جدی عمل کنیم. ما الان بعزت اینکه در سیاست خارجی خودمان خیلی درجا زدیم، متأسفانه از کشورهای اطراف داریم ضربه می خوریم و جنبه دفاعی بخود گرفته ایم و حتی عراق و امارات متحده عربی می خواهند بر علیه ما شکایت بکنند و ما را اشغالگر سه جزیره وانمود کنند.»

وی افزود: «... ما دوستان خارجی مان را بررسی نکرده ایم. دشمنان خارجی مان را بررسی نکرده ایم. تعاون و همبستگی و پیوستگی با دوستان خارجی پیدا نکرده ایم. البته ما دوستان درجه ۱، درجه ۲، درجه ۳ داریم، امور نسبی اند - کشورهاییکه در جهان عرب با ما بیشتر هماهنگی دارند، با آنها هماهنگ نشده ایم. با کشورهای نفتی عرب که نسبتاً موضع خوبی دارند،

بایستی با برنامه ریزی دقیق و با کمک کلیه نیروهای مومن به انقلاب اسلامی مشکلات کلی مستضعفین از قبیل بیکاری، تورم و مسائل مسکن و بهداشت و غیره را رفع نموده دستاوردهای انقلاب را تحکیم بختییده و در جهت افزایش این دستاوردها که ضامن وحدت مومنان به انقلاب می باشد، بکوشیم و ما امیدواریم که دولت آینده کلید رسیدن به این خواستها باشد.»

سخنران بعدی قبل از دستور، مهندس طاهری نماینده کازرون بود. پس از سخنان وی مجلس وارد دستور کار خود شد و مهندس طاهری نخست وزیر برای ادای توضیحاتی پیرامون چگونگی تشکیل کابینه خود پشت تریبون قرار گرفت. وی از نمایندگان خواست که بعزت دیداری که قرار بود ساعت ۱۱ بین وی و آقای رئیس جمهور انجام گیرد، گزارش کار وی به جلسه بعدی موکول شود. درخواست نخست وزیر پس از رای گیری از نمایندگان به تصویب مجلس رسید. آنگاه اعتبارنامه آقای تاتاری، نماینده زاهدان، مطرح شد، که بعزت استرداد مخالفت تنها مخالفان این اعتبارنامه، پس از رای گیری به تصویب نمایندگان رسید. سپس اعتبارنامه بپروژه، نماینده کلبر، بعزت مخالفت یکی از نمایندگان پس از طرح در مجلس، برای تحقیقات بیشتر به کمیسیون تحقیق مجلس ارجاع شد. در پایان جلسه دیروز، حجت الاسلام محمد منتظری، نماینده مردم نجف آباد اصفهان، سخن گفت. وی ضمن تاکید بر اهمیت سیاست خارجی و نقش آن در سیاست

به مسئولان وزارت

بقیه از صفحه ۱

همچون کافی تعمق کنند و هم از توسل به اقداماتی که بدون دلیل موجب نارضایتی قشری از مردم شود، جدا اجتناب ورزند. گفتیم بدون دلیل، و بر آن تاکید می کنیم، زیربنا پیرو منظور اقدامات انقلابی بسودتوده های مستضعف نیست، که از ضروریات انقلاب ماست و خواه ناخواه قشری از مستکبرین را ناراضی خواهد ساخت، بلکه منظور آنگونه اقداماتی است که فراهم برای انجام آن دیر نیست و با حصول انقلاب ضد امپریالیستی

و خلقی ما پیوند مستقیم ندارد. برخی زیاده رویها در وزارت آموزش و پرورش، بویژه در زمینه های کسب و کار، چنان محیط عدم رضایتی را موجب شده، که پیرامون واکنش ناشی از آن سخن بسیار است، و این بسود انقلاب ما نیست. بویژه باید توجه داشت که سال تحصیلی در شرایطی آغاز میشود که ما بطور جدی با خطر توطئه های امپریالیستی روبرو هستیم. محافل توطئه گر امپریالیسم آمریکا میاند قبل از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، بمنظور آنکه شانس ریاست جمهوری کارتر را افزایش دهند، توطئه های را بنام نجات «گروگانها» و در واقع برای سرنگون ساختن نظام جمهوری اسلامی ایران در ایران باجرا درآوردند. وجود تشنج در مدارس و دانشگاهها میتواند مورد سوء استفاده امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب برای انحراف اذهان و وارد کردن ضربه به انقلاب، قرار گیرد. ما به مسئولان وزارت آموزش و پرورش و آموزش عالی هشدار می-

رفقای حزبی! هواداران و دوستداران حزب!

اسناد حزبی (اعلامیه ها، بیانیه ها و...) منتشره در نامه مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، به وسیله ترین شکل تکثیر کنید و به توده های مردم برسانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه میرم انقلابی است.

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

هم از شهر کرد ۲۰۰۰ ریال از قلك ص - ف از شهر کرد ۶۸۹۰ ریال دانشجویان شهر کرد در فرانسه ۳۰۰۰ ریال ج- مشرف از شهر کرد ۵۰۰۰ ریال جهان از شهر کرد ۴۵۰۰ ریال ص-خ از شهر کرد ۶۵۰ ریال بابک از شهر کرد ۵۰۰ ریال علاقمندان می توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام قق کی منش و به شماره ۳۳۳۲۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمت ها و جلوگیری از غارت سرمایه داران بزرگ، دلالان و محترک انست

شوخی نیست... هم صدائی!

قلب زاده: «شما ستون پنجم خوردا، که حزب شناخته شده ایست، در ایران سازماندهی کردید...» (از نامه شهید اللین...) تفسیر رادیو کلن (آلمان غربی)، پس از پخش قسمتهای از این نامه: «شوروی در حالی که چه خود و چه ستون پنجم آن، یعنی حزب کمونیست توده، از رژیم حینی جانبداری میکنند...» شاه سابق: «روسها میخواستند آذربایجان عزیز را از ما میین جدا کنند...» صدای جمهوری اسلامی ایران: «یکی از جنایات روسیه بعد از شهریور ۱۳۲۰ این بود که میخواست آذربایجان را از ایران جدا کند...» (از تفسیر سیاسی، ۵۹۰۳۰)

برای اطلاع علاقمندان به نشریات حزب توده ایران

انتشارات حزب توده ایران بارها اعلام کرده است که فقط مسئولیت انتشار کتابهایی را به عهده دارد که با آرم مخصوص انتشارات حزب توده ایران، به چاپ می رسد. گاه مشاهده می شود که برخی از دکها و کتابفروشیها در کنار نشریات حزب ما، جزوه ها و کتابهایی را که محتوای آنها مورد تایید حزب توده ایران نیست، برای فروش عرضه می دارند. طبیعی است که وجود چنین نشریاتی در کنار کتابهای دارای آرم انتشاراتی حزب توده ایران بیچوجه نباید برای خریداران چنین تصویری را پدید آورد که گویا این نشریات با تایید حزب توده ایران، به چاپ رسیده است. از جمله نشریاتی که فروش آنها در برخی از دکها و کتابفروشیها با عرضه نشریات حزب توده ایران همراه بوده، جزوه ایست به نام «شاخ آفریقا» که محتوای آن به حق مورد اعتراض بسیاری از علاقمندان به نشریات حزب ما است و آنها را به نوشتن نامه های اعتراض آمیز علیه این نشریه وامی دارد. بدین وسیله به اطلاع همه علاقمندان به نشریات حزب توده ایران می رسانیم که این نشریه هیچگونه ارتباطی با انتشارات حزب توده ایران ندارد. ما از مسئولان دکها و کتابفروشیهای علاقمند به نشریات حزب توده ایران انتظار داریم، که برای جلوگیری از این نوع سوء تفاهات زبان بخشی، از فروش نشریات دارای محتوای مخدوش و مشکوک در کنار نشریات حزب ما، خودداری کنند.

نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دکتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست) NAMEH MARDOM No. 324 3 September 1980 Price: West-Germany 0.80 DM France 2 Fr. Austria 8 Sch. England 20 P. Belgium 10 Fr. Italy 350 L. U.S.A. 40 Cts Sweden 1.50 Skr.